

جواب رد دادیم^(۱) - سپس از ما پرسیدند که اگر اساساً با آمدن نمایندگان امریکا و شوروی و انگلستان برای مدت کوتاه مخالفتی نداریم نظر خود را درباره شرایط و وظایف اظهار داریم ما شفاهاً جواب دادیم که هر گاه فقط برای مدت چند ماه هیئت مرکب از نمایندگان سه کشور بزرگ متحد ما بایران بیایند که با توافق نمایندگان خودمان مقررات عهدنامه سه جانبه و اعلامیه معروف سران سه دولت را کاملاً در نظر بگیرند و موجبات تسریع خارج شدن نیروهای بیگانه را پیش از دوم مارس ۱۹۴۶ که رسماً تعهد کرده اند از ایران فراهم آورند موافق هستیم و باید هر سه دولت در مدت بسیار کوتاه مزبور سعی نمایند که بدولت ایران در تجدید اوضاع عادی در این کشور کمک شود و اوضاع غیر عادی که فقط نتیجه حضور نیروی خود آنها در ایران است برطرف گردد و تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی نیز که اعلان انتخابات آنها دولت طبق قانون داده است با حضور کمیسیون انجام گردد، منظور این دولت این بود که بدین ترتیب از گرفتاریهایی که باعث و موجب آن مناسفانه حضور نیروی خارجی است که آزادی عمل دولت را سلب نموده اند خلاص بشویم زیرا توقف متجاوز از چهار سال آنها در ایران و مداخله در تمام شئون این کشور و عدم آزادی عمل دولت است که ما را از اقدام بهر خدمت و اصلاحی در این کشور باز داشته است .

بدیهی است هر گاه سه دولت با این نظر موافقت مینمودند بلافاصله مراتب را باستحضار مجلس شورای ملی میرساندیم سپس رسماً آنها بهره دولت و دنیا اعلام میکردیم، چون پیشنهادهای آنها راجع به کمیسیون سه تری را همان روز که شفاهاً بنا اطلاع دادند فوری رد کردیم و آنها هم تاکنون پیشنهاد ما جواب موافق نداده اند. مراجعه به مجلس شورای ملی ضرورت نداشت درخاسته لازم میدانم که این مطلب را نیز باستحضار برسانم در این

(۱) وقتی که مابجریان کنفرانس مسکو و علاقتندی شدید انگلستان یا ایجاد کینه سه جانبه در ایران از روی نوشتهات سیاسی برنس وزیر خارجه امریکا که در آن کنفرانس شرکت داشته و باز راه تجزیه و تحلیل حوادثی که بعداً بوقوع پیوست واقف میشویم حق داریم که این اظهارات را قبول نکنیم زیرا برنس وزیر خارجه سابق امریکا در ضمن يك سلسله مقالاتی که راجع به کنفرانس مسکو در جراید امریکانوشته و روزنامه اطلاعات در شماره دوم دینامه ۱۳۲۶ ترجمه آنها منتشر کرده است چنین میگوید :

«پیشنهاد یونین را دایر باینکه يك کمیسیون مرکب از نمایندگان سه دولت بزرگ بایران رفته و راهی برای حل مشکلات پیدا کنند با او (مقصود نرالسیسم استالین است) در میان گذاردم استالین زیاد نیابلی به پیشنهاد یونین نشان نداد و من دوباره علاوه کردم که امیدوارم در ایران وقایعی روی ندهد که موجب اختلاف و تیرگی روابط ما بشود، استالین جواب داد ماکاری که منجر به تیرگی روابط ما باشد بشود نخواهیم کرد و بعد از ظهر روز بیست و پنجم دسامبر که من با مولوتف بطور خصوصی مشغول مذاکره گشتیم مولوتف میگفت پیشنهاد انگلستان راجع بایران بطور کلی بد نیست و ما بآن موافقیم و نظر مرا درباره آن خواست من اظهار داشتم که با آن کاملاً موافقم زیرا بدون تردید از مراجعه ایران به سازمان ملل منتفی جلوگیری خواهد شد - در جلسه اینکه وزیران خارجه سه دولت همان شب تشکیل دادند مولوتف پیشنهادات اصلاحی جدیدی راجع به ایران داده و تقاضا کرد این پیشنهادات به پیشنهاد یونین اضافه شود یونین همه آنها را بجز يك پیشنهاد که تاریخ تعلیه ایران را مسوق میگذازد قبول کرد و گفت تاریخ تعلیه ایران در قرارداد جداگانه تعیین شده است و دیگر الحاق این پیشنهاد لزومی ندارد - من با مذاکرات خصوصی که قبلاً با مولوتف درباره ایران کرده بودم تصور مینمودم که وی بالاخره با پیشنهاد یونین دایر باعزاز کمیونیتی مرکب از نمایندگان سه دولت بایران موافقت خواهد کرد ولی در جلسه بیست و ششم دسامبر کنفرانس معلوم شد دولت شوروی درباره سیاست خود نسبت به ایران تجدید نظر کرده است زیرا مولوتف در آن جلسه بطور ناگهانی اظهار داشت مسئله ایران جزو دستور مذاکرات کنفرانس نبوده و اصلاً قابل طرح نیست»

اواخر برخلاف انتظار دولت و ملت ایران متأسفانه از یکی از بزرگترین و خدمتگزارترین رجال ایران در اینجا برخلاف حق و حقیقت ذکری رفته است (آقای دکتر مصدق اجازه صحبت خواستند) بقین دارم نمایندگان محترم مجلس شورای ملی با این جانب کاملاً هم عقیده میباشند که جناب آقای سیدحسن تقی زاده در تمام عمر جز خدمت باین کشور و ملت کاری نکرده اند (همیشه نمایندگان) همواره در هر شغلی بوده اند اعم از مشاغل ملی و دولتی مصدر خدمات بزرگ ملت و دولت ایران واقع شده اند (صحیح است) و در وطن پرستی و صمیمیت و راستی و درستی و خدمت به ملت و دولت ایران از مردان نادرا الوجود این کشور میباشند (صحیح است) (فداکار- صحیح نیست) (اینطور نیست) (زنگ ریس) و هیچ مرد وطن پرست و مطلع بیغرض نمیتواند باین مرد شریف و جلیل القدر خورده گیرد (تیورناش - سلق شلق است) - (زنگ ریس) چون دولت شخصاً داد که آقای تقی زاده کمال شایستگی و لیاقت را برای ریاست هیئت نمایندگی ایران در مجمع ملل متفق دارند ایشان را باین سمت انتخاب نمود .

ایشان نیز همان طور که همیشه در خدمات ملی و دولتی خود ثابت کرده و نشان داده اند با کمال صمیمیت و علاقمندی از روز نخست بوظایف این خدمت و مأموریت عمل نموده اند و دولت از ایشان و اعضای نمایندگی ایران که با کمال دقت برای خدمت باین مملکت انتخاب شده اند نهایت رضایت را دارد و امیدوار است بخوبی از عهده خدماتی که دارند بر آیند .

بعضی ملاحظات

از بیانات آقای نخست وزیر که در فوق مذکور گردید دو نتیجه میتوان گرفت :
اول اینکه پیشنهاد دولتی کتبی در متن آنها بفارسی و انگلیسی و بدون امضاء بوده است و الا چطور ممکن است که یازده ماده را نمایندگان دول شفاهاً اظهار کنند و آقای نخست وزیر با ضعف سامعه و حافظه خود آنها را از خاطر دور نکنند .
نمایندگان يك دولت خارجی هر گاه پیشنهاد بدون امضاء هم بدهند سعی است و دولت هم آنها فوراً رد نکرده است زیرا راز و بو لندن در اخبار ۱۵ دیماه که از نظر خوانندگان محترم گذشت اینطور خبر میدهد :

« دولت ایران هنوز جواب موافق باین پیشنهاد نداده است و شاید »

« نخواهد قبل از موافقت با این پیشنهاد آنها بمجلس شورای ملی عرضه کند »

و بنا بر آنچه در روزنامه های تهران هم نوشته اند پیشنهاد دولتی آمریکا و انگلیس چند جلسه وقت وزیران را اشغال کرده است، بر فرض اینکه ما قبول کنیم که بلا تأمل آقای نخست وزیر پیشنهاد دولتی وارد کرده اند ایشان چگونه میتوانند بدون اطلاع ملت و اجازه مجلس شورای ملی پیشنهادهای متقابل بدهند که یکی از آنها عضویت دو نفر نماینده ایران در کمیته سه دولت بود که وزارت خارجه در اعلامیه خود به آن متذکر شده است و دیگری دخالت کمیته مزبور در انتخابات انجمن های ایالتی و ولایتی

ایران است که آقای نخست‌وزیر در این نطق بآن اشاره نموده‌اند. کدام وطن پرستی - است که خود را بدخالت بیگانگان در امور مملکت راضی کند؟.. و کدام عاقلی است که بخواهد دفع فاسد بافسد نماید؟.. ملت ایران شکایت میکرد که چرا بیگانگان در امور آذربایجان دخالت میکنند و آقای نخست‌وزیر میخواستند دول بیگانه را بدخالت در امور تمام کشور دعوت کنند بشرط اینکه فقط چندماه کار خود را تمام بکنند و بروند، وقتی که دول بزرگ در تعهدات خود بنفع دول کوچک و ضعیف وفای بعهده نکنند چه انتظار بود که دول تالانه در امور داخلی ایران دخالت بکنند و بعد ما را بحال خود بگذارند و بروند.

در موضوع دوم - ظاهراً مقصود آقای نخست‌وزیر مذاکرایی است که آقای دکتر مصدق در نطق نوزدهم دیماه^(۹) نسبت به آقای تقی‌زاده نموده‌اند چه خوب بود آقای نخست‌وزیر دفاع خود را سر بسته نکرده و با کمال جرأت اعتراضات دکتر را رد مینمود و چه خوب بود خود آقای تقی‌زاده که در دوره پانزده تفسییه هزارها کلمه نطق نموده چند کلمه هم راجع به اعتراضات دکتر مصدق میفرمودند و خود را در مقابل افکار عمومی تبرئه مینمودند بدیهی است که آقای نخست‌وزیر خواسته‌اند از نظر هم مسلکی سر بسته دفاعی کنند و خود را بمحظوراتی که از یک دفاع ناحق حادث میشود دچار نمایند، ما معتقدیم که جامعه اگر عمل نمیکند قضایا را خوب قضاوت مینماید و قضاوت در این موضوع را بعهده جامعه میگذاریم.

دفاع آقای نجم‌الملک در مورد کمیسیون سه‌جانبی

بعد از مدت‌ها سکوت آقای نجم‌الملک وزیر خارجه کابینه دوم حکیمی و ستانور فعلی تهران در مجلس سنا نسبت بکمیسیون سه‌جانبی و دفاع از عملیات خود در جلسه چهارشنبه ۲۸ تیرماه ۱۳۲۹ مجلس سنا توضیحاتی دادند که در اینجاست می‌آوریم و خوانندگان محترم با مراجعه بمطالب مندرجه در صفحات قبل حقیقت را درک و قضاوت صحیح خواهند کرد.

اکنون عین مدافعات آقای نجم از روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی شماره

۱۵۸۵ صفحات ۲ و ۳ و ۴ در صفحه بعد نقل میشود :

(۹) متن این نطق در صفحه ۲۳۶ این کتاب مندرج است .

فچشم - بنده عرضم راجع بیک مطلبی است که جزو تاریخ است ، تاریخ عصر خودمان ، مال چهار یا پنج سال پیش و چون درجائی بطور دقت نوشته نشده ، اسباب سوء تفاهم شده و بعضی می بینم که درباره جریان آن مطالبی مینویسند ، و میگویند که مطابق باحقیقت نیست ، بنده خواستم اجازه بخواهم چون خودم وارد کار بودم برای استحضار آقایان و برای اطلاع ملت ایران ، اصل مطلب را عرض کنم ، راجع به کمیسیون سه جانبه چندی است ، سه چهار سال است در جریان مینویسند و اخیراً هم در مجلس شورای ملی راجع بآن یک مذاکره ای شده است ، چون بنده در آنوقت وزیر امور خارجه بودم و این موضوع را بهتر از همه کس مستحضرم خواستم مختصراً با اطلاع آقایان برسانم - بنده در تهران نبودم ، هیچ انتظار تصدی وزارتخانه ای را هم نداشتم ، میل هم نداشتم ، چنانکه امروز هم میل ندارم بن تلگراف - کردند ، اصرار کردند ، امر کردند که حتماً بیایم طهران و متصدی وزارت خارجه بشوم . آن وقت آقایان میدانند که قشون اجانب از دو طرف وارد مملکت ما شده بود و حضور آنها در این مملکت تصور میکنم همه آقایان میدانند باعث چه فسادها و چه بدبختی ها شده بود که هنوز دنباله اش هست و بنده عقیده ام ایست که اینهمه صحبت از این هشت ساله میشود همه آنها را بایستی منتسب کرد بوزر و اقامت این قشون اجانب در این مملکت ، همه این فشارها از آنها است ، بجهت اینکه آنها بفکر خودشان بودند و فکر مملکت ما نبودند و ما دچار اینهمه بدبختی و محنت و سختی سیاسی و اقتصادی شدیم . در هر حال بنده وزیر امور خارجه بودم و مکلف بودم که همه روزه در درجه اول وقت صرف این امر بشود که ارتش بیگانه از کشور ما خارج بشود ، با همه مأمورین سه دولت بزرگ متفقان هم دائماً در تماس بودم ، هر سه میآمدند بوزارت امور خارجه ، حرف میزدیم ، صحبت میکردیم ، بحث میکردیم ، حرفشان را میزدیم ، از ایشان خواهش میکردیم که بی است بنا بود بعد از جنگ اروپا بیرون بروید نرفتید ، گفتند جنگ آسیا تمام بشود ، جنگ آسیا تمام شد ، قرار بود بیرون بروید حالا خارج شوید و پیش از این مزاحم ما نشوید ، و صحبت میکردیم البته آنها هم حرفهایی داشتند گوش میدادیم . در این ضمن خبر رسید که یک کنفرانسی از وزیرای سه دولت در مسکو تشکیل شده است ، سفیر کبیر انگلیس آمد گفت که ما میرویم آنجا ، سفیر کبیر امریکا هم آمد گفت که من میروم بکنفران طرف خودم میفرستم آنجا ، البته روسها هم که در مسکو بایشان خودشان بودند همه شان گفتند آنجا ما میخواهیم مذاکره کنیم ، گفتیم که هیچ مذاکره ای حق ندارید راجع با آنجا بکنید جز اینکه مذاکره بکنید که ارتشان ، قشونتان از اینجا خارج بشود و بدون حضور ما حق هیچگونه مذاکره ای ندارید و بسفر هم همینطور تلگراف کردیم در مسکو و لندن و واشنگتن که تمام هم آنها این باشد که قشونشان را از اینجا بیرون ندهایند و بفرستند بعد از مدتی برگشتند ، یک روز بنده در منزل خودم بودم بجهت اینکه صبح زود میرفتم تا یک بعد از ظهر ، یک بعد از ظهر میآمدم دو ساعت را راحت میکردم بعد میرفتم تا ساعت ده ، بازده ، دوازده در وزارتخانه ، یکروز بین ساعت یک و دو بعد از ظهر منزل بودم سفیر کبیر انگلیس تلفن کرد منزل بنده که من الان وارد شدم ، الان میخواهیم بیایم منزل شما ، گفتیم من الان گرفتاری دارم ساعت سه میروم وزارت امور خارجه ساعت سه شام میتوانم آنجا بیایم گفتند که من کار فوری دارم ، گفتیم خوب من هم گرفتاری دارم و نمیتوانم - ۳ بعد از ظهر داشتم میرفتم بوزارتخانه آقای رئیس الوزرا ، آقای حکیمی بودند ایشان بن تلفن کردند که من خواهش میکنم یک دقیقه بیایید اینجا بنده رفتم منزل ایشان ، دیدم سفیر کبیر آنجا است ، البته بعد از تعارف و مقدمات میگفت که من الان از راه رسیدم ، کار فوری داشتم خواستم بیایم پیش شما بپذیرفتید ، آمدم پیش آقای رئیس الوزرا و مطلبم اینست - یک کورقه ای داد بمن . یادداشت نبود ، یادداشت یا امر اسله نمرداد

تاریخ دارد، اینها هیچکدام نبود، یکورقه ای داد گفتم این چیست؟ گفت که این را در کنفرانس مسکو بعد از مذاکراتی که راجع به تخلیه ایران شده است که باید تخلیه شود مستریوبین وزیر امور خارجه انگلستان آنجا یک چیزی بنظرش رسید، آنجا پیشنهاد کرد آنها هم قبول کردند ولی موکول بقبول دولت ایران شد، اگر قبول دارید یک ورقه ایست، ده دوازده ماده است توی روزنامه هم آقایان خوانده اند، گفتم خوب این باین عجزه لازم نبود، گفت آخر باید زود جواب بدهم، گفتم چه بکنم حالا؟ گفت حالا ملاحظه بکنید، بنده نمی دانم قبلاً با آقای رئیس الوزرا چه مذاکره کرده بودند - بنده نگاه کردم گفتم با این مخالفم، گفت باین زودی اظهار مخالفت می کنید؟ - بنده گفتم بکلی مخالف هستم، گفتند مطامع کنید، گفتم بنده بکلی مخالفم ولی البته آقایان کارهای سیاسی، کارهای دیپلماسی اینطور نمی شود که آدم کار را قطع بکنند، اگر قطع بکنند پیش نمی رود، بایستی تأمل کرد و تحمل کرد و یک راههای دیگری پیش بینی کرد، گفت خوب حالا که باین سرعت مخالفت کردید پس بنشینیم باهم مذاکره کنیم، من راپورت را بدهم، مطالبی را بگویم، گفتم اینرا کی داده؟ گفت این مذاکره ایست آنجا شده و هر سه دولت هم موافقت کردند، گفتم خوب حالا ما که مخالفیم غروب همان روز اعلیحضرت همایونی حاضر فرمودند، فرمودند که این را دیدی؟ گفتم بله - فرمودند چه نظری داری؟ گفتم من مخالفم؟ آقای رئیس الوزرا هم دیده اند ولی من شخصاً از نظر وزارت امور خارجه مخالف باین جریان، من بعنوان یک وزیر امور خارجه می گویم و اگر یک بضر دیگری باشد، صلحت دیگری باشد، هیئت وزراست، یکمده ای هستند ممکن است اقلیت و اکثریت پیدا شود من استعفا خواهم داد صریحاً میگویم این یک مطلبی است که آقای حکیمی که رئیس الوزرا بودند و کاملاً مراقب بودند و مواظب بودند اطلاع دادند و همچنین اعلیحضرت همایونی - بعد آمدیم بیست وزرا آنجا عقاید مختلفی داشتند بالاخره مطلب منتهی شد که ما باین مواد مخالفیم ولی آیا یک راهی هست که از سازمان ملل متحد و با وسیله دیگری یک عده ای بیایند در این مملکت، بیایند اینجا و بگویند این چه وضعیتی است، اجانب آمده اند اینجا، قشون آوردند اینجا، حالا هم نمیروند، جنگ هم که تمام شد و ببینند این حرفها راست است، هم راجع بشمال هم راجع بجنوب، این جنجالها که در دنیا راه انداخته اند بنا بر این راهش اینست که بنشینیم ببینیم که در این زمینه ممکن است یک کاری که بفع ایران باشد اقدام نمود البته هیئت وزراء بود و عقاید مختلف بود - ما نشستیم یک مذاکره طولانی روی آن ورقه کردیم، این ورقه ای که عرض کردم نه یادداشت بود، نه مراسله بود، نه نمره داشت، نه تاریخ داشت، مثل این بود که من یک چیزی یادداشت کنم و بدهم به آقایان. خلاصه این ورقه مورد بحث و شور قرار گرفت، با مفر کبیر امریکا - با سفیر کبیر انگلیس و نماینده دولت شوروی، البته نماینده دولت شوروی گفت ما مداخله در کار دولت دیگری نمیکنیم بنده گفتم پس خواهش می کنم که ارتشتان را از اینجا ببرید بیرون، چه مداخله ای بالاتر از این، خیلی از شما متشکرم که هیچوقت مداخله نکنید و همیشه پیشقدم بوده اید. حالا ارتشتان را از اینجا بیرون ببرید و ما را بحال خود بگذارید، نماینده امریکا گفت این نظرتان صحیح است، اگر میلتان هست رد بکنید، اینرا هم باید عرض کنم در این مورد بنده و دولت تصمیم گرفتیم که اگر کار بهیستور بتعویق و تأخیر و تعطیل بگذرد سازمان ملل شکایت بکنیم، دول متفق نمی خواستند ما این کار را بکنیم، میگفتند این صل یک جنجالی در سازمان ملل متفق ایجاد می کند، ما هم این مواد را مورد بحث و شور قرار دادیم، ماده بیاده و گفتیم ما مخالفیم حالا یکی از آن مطالب را عرض میکنم یکی از آن مواد این بود که کمیسیون تشکیل بشود و بطور بشود و بطور بشود و قشون خارج بشود، گفتم

غیر اول ماده ای باید بگذارید که هر کار میکنیم بعد از خارج شدن تمام ارتشها از ایران باشد و همانطور راجع به چیزهای دیگر و ضمناً هم همانوقت يك اعلامیه ای دوجراید وزارت امور خارجه منتشر کرد که هیچوقت يك قراردادى ممکن نیست دولت با خارجیه و با دول خارجه ببندد بدون مشورت مجلس شورای ملی، بدون استحضار مجلس شورای ملی، برای اینکه مردم و جراید اینطور فکر کرده بودند که دولت يك کاری میکند بدون استحضار ملت بنابراین بنده باستی که داشتم باست وزارت امور خارجه از روز اول با استحضار رئیس الوزراه و اعلیحضرت هایونى مخالف با آن پیشنهاد بودم و دولت هیچوقت آن پیشنهاد را قبول نکرده بود و بلافاصله پیشنهاد را کرد یعنی کار کم کم با نجا رسید که دیدم در این مذاکرات بین خود نماینده امریکان و نماینده انگلیس هم اختلاف نظر شد بعضی چیزها را امریکائی ها قبول میکنند انگلیسها قبول نمیکنند و مشکل است بنابراین اصل اولش کردیم، دوسیه اش در وزارت خارجه هست من مخالفت میکردم و از روز اول هم مخالفت کردم و این يك منظوری بود برای اینکه ما بآن متصور اصلی بر سیم طوری که آقایان و ملت ایران اطلاع دارند بسیار مانع ملل متحد شکایت کردیم، میخواهیم در مجمع عمومی شکایتمان را مطرح کنیم، تأخیر شد و در شورای امنیت طرح کردیم و بکلی این مطلب دروغ است که دولت ایران یا وزارت امور خارجه ایران میخواسته است اینرا قبول کند، با نظر موافق داشته است، یا اینکه میخواسته است کاری بدون استحضار و اطلاع مجلس شورای ملی بکند؛ اگر يك امری بمصلحت مملکت باشد البته وزارت امور خارجه و دولت زمینه اش را تهیه می کند و بوقوع بتصویب میرساند یعنی عهدنامه و قراردادها که تنظیم میشود بتصویب مجلس شورای ملی میرسد عرض بنده این بود.

متن کامل

اختیارات کمیسیون سه جانبه

برای تکمیل مطالب این فصل و بمنظور توجه بیشتر خوانندگان ارجمند با اهمیت موضوع اکنون متن کامل اختیارات پیش بینی شده برای کمیسیون سه جانبه را در اینجا نقل مینمایم و ضمناً یاد آور میشویم همانطور که قراردادهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۹ در تحت عبارات و جملات بظاهر فریبنده استقلال و تمامیت کشور ما را لطمه دار میکرد مواد اختیارات این کمیسیون هم با عبارات و کلمات فریبنده مملکت را بسوی تجزیه و قطعه قطعه شدن میبرد بدون تردید نماینده اول لطران و آندسته از نمایندگان مجلس ۱۴ و دیگر کسانی که از اجرای این نقشه شوم جلوگیری کرده اند نامشان در تاریخ اخیر ایران عزیز همیشه باقی خواهد ماند.

اینك متن کامل ۱۱ ماده مزبور (۱):

کمیسیون دولی ۱۳۴۰

مأمور رسیدگی بامور مربوط بایران

دولت بریتانیای کبیر و اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده امریکا با تشکیل کمیسیون سه گانه برای رسیدگی بمسائل ایران موافقت حاصل کرده و این موافقت را بدولت ایران جهت موافقت نظر آن دولت ابلاغ میدارد .
مقررات موافقت مزبور بقرار ذیل است :

۱ - کمیسیون نامبرده برای شروع بامر باید اینموضوع را مدنظر قرار دهد که در طی مدت اقامت قشون متفقین در ایران تشکیلات اقتصادی ایران و تشکیلات اداری دولتی دچار اختلال گردیده و اشکالاتی فیما بین دولت مرکزی و اهالی بعضی از ایالات رخ داده است . سه دولت نامبرده تصدیق مینمایند که مسؤلیت این وضعیت تا حدی متوجه آنان باشد و بشایر این باید سعی نمایند که بیدولت ایران در تجدید استقرار اوضاع عادی بتحویکه مورد رضایت کلیه عناصر مختلفه اهالی مملکت باشد و نیز در حفظ روابط دوستانه با سایر معالک مساعدت کنند .

۲ - از لحاظ رفع بیم و نگرانی دولت ایران و موجبات اصطکاک بین المللی کمیسیون باید نسبت باین موضوع که در تغلیه قوای متفقین از ایران حتی الامکان تسریع شود رسیدگی نماید و توصیه های مقتضی به دولت بنماید .

۳ - کمیسیون باید مراتب ذیل را در مد نظر قرار دهد :

الف - تمهیدی را که بریتانیای کبیر و روسیه سویت در ضمن پیمان مورخه ژانویه ۱۹۴۲ دائر بر رعایت استقلال سیاسی و حق حاکمیت و تمامیت ارضی ایران نموده اند .

ب - اعلامیه صادره در طی کنفرانس تهران راجع بایران لظرف روز ولت رئیس جمهور و استالین ژنرال ایسم و چرچیل .

۴ - از لحاظ حل و فصل اشکالات موجوده بین دولت مرکزی ایران و بعضی از ایالات کشور کمیسیون در تأسیس انجمنهای ایالتی و ولایتی طبق مقررات قانون مشروطیت ایران بآن دولت مشورت داده و کمک خواهد نمود .

۵ - توصیه های کمیسیون (که قبل از پیشنهاد بدولت ایران باید مورد تصویب

سه دولت واقع شود) باید شامل کلیه کشور ایران بانضمام آذربایجان بوده باشد.

۶- قوانین موجوده که مقررات مربوط به مشروطیت را (در باب انجمنهای ایالتی و ولایتی) تشریح و تفصیل مینماید باید مأخذ و مبدأ قرار گیرد لکن کمیسیون اصلاحاتی را که مخصوصاً در قسمت انتخابات انجمنهای محلی و اختیارات و وظائف انجمن های مزبور و طریقۀ مربوط بتدارک وجوه جهت آن انجمنها بنظر لازم میرسد توصیه خواهد نمود.

۷- کمیسیون نیز توصیه هائی در باب استعمال زبانهای اقلیت از قبیل عربی ترکی و کردی بطور آزاد جهت تعلیم و منظورهای دیگر خواهد نمود.

۸- کمیسیون بادولت ایران و نمایندگان کلیه عناصر مختلفه مهم اهالی در طریقۀ تنظیم توصیه های خود بانماس نزدیک مشاوره خواهد نمود.

۹- همه دولت نامبرده مساعی کامل خود را بکار خواهند برد که دولت ایران را متقاعد سازند که توصیه هائی را که از طرف کمیسیون بعمل میآید بصورت قانونی درآورده و آنها را بموقع اجرا گذارند.

۱۰- کمیسیون هیچ نوع توصیه ای نخواهد نمود که باعث تضعیف وحدت اساسی دولت ایران گردد.

۱۱- اولین انتخابات ایالتی و ولایتی باید تحت نظر کمیسیون انجام گیرد.

نظریات مطبوعات و آرایاب جراند در مورد کمیسیون سه جانبه

روزنامه «داد» در شماره ۳۰ مورخ هفتم دیماه ۱۳۲۴ تحت عنوان «مداخله در امور ایران آیامورد موافقت حکیمی قرار گرفته است؟» چنین مینویسد:

دروغ خبر رسید آقای حکیمی در جلسات هیئت وزیران در روزهای جمعه و شنبه نسبت به پیشنهاد دولتین امریکا و انگلیس راجع به تشکیل کمیسیون سه جانبه در ایران موافقت کرده است، مانسبت به صحت این خبر تردید پیدا کردیم زیرا تصور نمینمودیم حکیمی پس از هفتادسال عمر در چنین روزگاری مداخله بیگانگان را مورد اخلی ایران رسماً تصویب و تصدیق نموده باشد ولی پس از تحقیقاتی که در این خصوص نموده ایم با کمال تأسف اشکباهات عجیبی از این مرد محترم دیدیم:

اولاً- همانطوریکه دکتر مصدق بوزیر امور خارجه پاهوش؛ دولت اعتراض

نموده با آنکه اساس این فکر را برای حل مشکل فعلی ایران و شوروی میدانند و با آنکه یکی از ارکان این کمیسیون سه جانبه را دولت شوروی بعهده می آورند معیناً جریان مذاکره دولت و تماس اوقفت با نمایندگان سیاسی امریکا و انگلیس بوده و بهیچوجه با نمایندگی سیاسی دولت شوروی در این خصوص مذاکره بعمل نیامده است.

ثانیاً - در جلسه هیئت وزیران بعنوان اصلاح:
نظریه مزبور گفته اند از دولت ایران همدردی
در این کمیسیون شرکت جویند - راستی اگر
ایران کشور مستقلی است، اگر دولتهای بزرگ
دنیا در حقیقت امضاء کنندگان منشور ملل متفق
و آنتلانتیک هستند چگونه راضی میشوند برای
امور داخلی دولت مستقل ایران آنها کمیسیون
تشکیل دهند؟



فرضاً دولتهای بزرگ بحکم غلبه قدراتشان
بر منطق عدالت چنین اقدامی را قابل پیشرفت
بدانند، آیا دولت ایران بچه نظر در برابر این عمل
مخالف اصل حاکمیت و استقلال در مقام اعتراض
بر نیاید؟ - فرضاً آقای حکیمی نخواهد در
برابر این فکر اعتراض کند چه امری ایشان را
و اداری مینماید با شرکت در این کمیسیون مخالف استقلال و حاکمیت ملی بنام دولت
ایران دخالت نماید؟

آقای امید نوری مدیر داد

روزنامه «فروغ» بجای «داربا» در شماره ۲۵ مورخ هفدهم دیماه ۱۳۲۴
تحت عنوان: «تهدید حاکمیت ملی و خطر تجزیه ایران بمناطق نفوذ» چنین نوشت:



« اکنون معلوم شد که پشتیبانان آقای
حکیمی از نگاهسداری دولت چه منظور
داشته اند؟ ۰۰۰۰ سرور بدر بولد ۱۱ پس از
مراجعت از لندن بلافاصله مشغول مذاکره
با دولت ایران شد تا وادار کند انجمن سه نفری
برای مداخله در امور ایران از طرف دولت
تصویب شود - دولت آقای حکیمی بدون
کوچکترین مشورتی با نمایندگان و حلحای
ملت در وضع تشکیل جلسه داد و پس از مذاکرات
طولانی تصویب نمود که بدولت انگلستان حق
داده شود کمیسیون سه نفری را بمنظور مداخله
در امور ایران دعوت نماید بعداً که سروصدای
آن از رادیوهای خارجی بلند شد حکیمی
خود را ناگزیر دید که در مجلس موضوع را طرح

آقای ارسنجانی مدیر داربا

نماید مسلماً سیدعبدیه الدین و دکتر طاهری در انتظار یک چنین روزی اشک شوق میریختند و باین جهت با در دست داشتن مجلس و سائلی فراهم آوردند که دیروز چاه علنی تشکیل نشود میادا که نمایندگان و طنبرست دولت را مواخذة قرار دهند ...»

همین روزنامه در شماره ۲۸ مورخ بیستم دیماه خود تحت عنوان: «وثوق الدوله

ثانی» مینگارد:

«افکار عمومی پیشنهاد دولت حکیمی را دایر به اوقت با تشکیل کمیسیون سه نفری بطور کلی طرد کرد انعکاس این عمل در دنیا بسیار عمیق و غیر قابل تصور بود کسانی که هیئت حاکمه ایران را در دست دارند و بایک لحن ترزلزل ناپذیر بهسکاران خود اطمینان داده بودند قیومت ایران را با امضای دولت و ملت ایران خواهند رساند اینک دچار شکست و عصبانیت ناشی از عدم موفقیت خود شده اند - وثوق الدوله وقتی قرارداد ۱۹۱۹ را امضاء کرد که مجلس نبود، انگلستان سلطه بین المللی داشت و دولت شوروی در کمال ضعف بسر میبرد ۰۰۰۰۰ ولی حکیم الملک میخواست حد نصاب را بشکند و وثوق الدوله ۱۹۴۵ بشود...»

«روزنامه و وظیفه» در شماره ۱۳۰ مورخ بیست و یکم دیماه ۱۳۲۴ تحت عنوان

«تساری قوا - خطر ترک پیشنهاد امریکا و انگلستان» چنین مینگارد:



آقای حجازی مدیر وظیفه

«..... بصدای اینک هر غریبی بتخته پاره متوسل میشود دست خود را بشفافت امضای روز ولت مرحوم و چرچیل دراز کردیم - نمایندگان امریکا و انگلستان هم در شورای مسکو از بیچارگی ایران بحث کردند و بالاخره قرار شد کمیسیون سه نفری رهسپار ایران گردد - آقای دکتر مصدق ممکن است از انگلستان ظنین باشند ولی نگرانی ایشان از شرکت امریکا در سر نوشت ایران برای چیست؟ بنا بر این بچه دلیل - از روی کدام عقل - مطابق کدام منطق آقای دکتر مصدق میفرمایند - «صلاح نیست که دولت انگلیس و امریکا با ما داخل مذاکره شوند».

آقای دکتر مصدق! ما ضعیف هستیم - ایران ناتوان است - و ما معتقدیم بواسطه ناتوانی ایران و بدلیل وضعیات کنونی مذاکرات مستقیم ما با مأمورین شوروی غیر از تسلیم راهی رانسان نمیدهد بنابراین اگر امروز از امریکا و انگلستان دور شویم و فردا در مذاکرات خود با شوروی موفق بنامین حاکمیت ملی، استقلال سیاسی ایران نگشیم در آن وقت تکلیف ما چیست؟

روزنامه «کیهان» در شماره ۸۶۳ بیست و ششم دیماه ۱۳۲۴ راجع بنطق

آقای تقی زاده در مجمع عمومی سازمان ملت‌های متفق اینطور مینویسد:

«مبارت اقدام تقی زاده بانطق حکیمی» - دیروز در همان ساعاتی که آقای سید حسن تقی زاده نمایندگان پنجاه و یک ملت را آگاه ساخت که دولت ایران در آخرین ساعات از قید موضوع ایران در برنامه مجمع عمومی خود داری کرد زیرا هنوز امیدوار است که مسئله بطور دوستانه حل شود و کار بمجمع عمومی ملت‌های متفق نرسد» آقای حکیمی نخست وزیر در پارلمان ایران پس از اظهار یأس کامل از حل قضیه باز مامداران شوروی چنین گفت: «بعد همینکه معلوم شد از مذاکرات مستقیم منظور نیرسیم ناچار بریاست هیئت نمایندگی ایران در مجمع ملل متفق دستور دادیم که موضوع ایران را در مجمع ملل متفق طرح و مطابق اساسنامه سازمان ملل متفق درخواستی که لازم است به شورای امنیت بدهند.»

بنابر این ملاحظه میشود یا آقای تقی زاده دستور نخست وزیر را بکار نبسته است یا آنکه مقصود آقای حکیمی از مجمع ملل متفق، مجسمی است که بعد از پایان سومین جنگ بین المللی ممکن است تشکیل گردد یعنی وقتی که کار از کار بکلی گذشته است...

نکته دوم و مهمی که در اثر تحلیل نطق آقای تقی زاده جلب توجه بسیار میکند آن است که بنا بر اظهار رادبوی دهلی رئیس هیئت نمایندگی ایران چنین گفته است:

«مادر آخرین ساعت بزحمت خود را راضی کردیم که از قید موضوع ایران در مجمع ملل متفق خودداری ننماییم» - معلوم نیست که منظور از بیانات نماینده ایران چیست و چه کسی او را

مجبور کرده است که برخلاف میل و بزحمت از ارجاع موضوع ایران بمجمع ملل متفق خودداری نماید؟ آیا این اظهارات ابهام آمیز نیرساند که شاید خدای تقواست در این خصوص قشاری در کار بوده و در پشت پرده دسیسه خائنانه ای برای پایمال کردن حقوق ایران طرح شده است.

نکته مضحک دیگری که از نطق آقای تقی زاده استعراج میگردد آن است ایشان در سخنرانی خویش گفته اند که برای آن ما از ارجاع موضوع ایران بمجمع عمومی خودداری کردیم که نخواستیم در آغاز کار برای سازمان ملت‌های متفق تولید اشکال نماییم. واقعاً بسی مضحک است که دولت ضعیف و بی‌نوی ایران پس از آنکه مدت چهار سال هستی و ثروت و سعادت خود را فدای تأمین مقاصد دیگران نموده است اکنون برای بدست آوردن حق خودداری دارد برای آنها تولید اشکال نماید و گوشت ستر قربانی ایران در مقابل مذبح سازمان ملت‌های متفق از همه لذیذتر است.

ضمناً این نکته نیز بسی جلب توجه میکند در صورتی که خود نخست وزیر ایران در مجلس علناً نسبت به حل قضیه از راه مذاکرات مستقیم جداً اظهار نومیدی میکند آقای تقی زاده میگوید که هنوز ایران امیدوار است موضوع بطور دوستانه فیصله یابد.



آقای فرامرزی هدیر کیهان

بتا بر این ملاحظہ میشود ملت فرسودہ ایران کہ تمام امید خود را برای رهایی از اوضاع رقت انگیز کنونی بجامعہ ملی متفق بستہ بود دیروز رسماً از دہان نمایندہ اول خود در آن انجمن آبیہ یاس شنیدہ و دیگر معلوم نیست کہ ہیئت حا کہ «و دیلیات» ہائی کہ از یامداد تاشام پشت میزہائی وزارت امور خارچہ چرت میزنند برای اغفال ملت و گذرانندن وقت چہ کہبہ امید دیگری جز مجمع مفل بشر باشند .»

روزنامہ «امید» در شمارہ ۱۰۱ مورخ ۲۵ دی ۱۳۲۴ در ستون مخصوص اخبار

مجلس این واقعہ جالب توجہ را ذکر میکند :

«... در جلسہ ۱۹ دینامہ پس از آقای وزیر ، دکتر مصدق از جای خود بلند شدہ آمستہ بسوی تریبون قدم برداشت و کیف مشکی خود را باز کرد و متن نطق خود را بیرون کشید و حلقہ شدیدی بوزیر امور خارچہ و دولت و کابینہ و سہ جانبی پیشنہادی انگلیس و امریکا کرد و برخی مواد این پیشنہاد را کہ ظاہراً بدون آنکہ آقای نجم وزیر خارچہ بداند ، بدست آورده بود ، خواند و آنرا بہتر از قرارداد ۱۹۱۹ بر تونق السولہ دانست و گفت : «صبر حمت بآن قرارداد» و در اینوقت ماس و مطبوعات دست بدعا برداشتند کہ :

«خدا پدر شوروی را بیاورد کہ چنین پیشنہادی را در انجمن ماکو قبول نکرد .»

وقتی آقای دکتر مصدق نطق خود را بیابان رسانید و آقای وزیر فرهنگ خواست کہ لایحہ برای اصلاح قانون شورای عالی فرهنگ تقدیم کند ، جوانی از جوانان پر شور ... بنام «دژکام»

آقای دژکام مدیر روزنامہ رسپار

از رفیق تاشاچیانی کہ در سالن مجلس می نشستند ، از جای خود برخاست و نیدانم چگونہ خود را پشت میز رئیس مجلس شورای ملی انداخت و قبل از اینکہ پیشخدمتہای پیرو موقر مجلس ، با او گلاویز شوند ، دست بسینہ زد و فریاد کشید کہ : «ای ملت ایران ! ہر نمایندہ حقیقی شہاستم و من از طرفی شہ اعلام میکنم کہ با کمسیون سہ جانبہ مخالفیم .» در اینوقت مجلس سراسیمہ «بوکیل حقیقی ملت» میکریست و آ تو کیلائی کہ حسابشان پاک نیست ، ہر رنگ از رخشان پرید و گفتند : «لابد کہ کون موقع محاسبہ رسیدہ است .» ولی رہنما وزیر فرهنگ همچنان ساکت و آرام ایستادہ و کا . ب مجلس و گاہ باین جوان مینگریست بالاخرہ «دژکام» را از طایر جلسہ بیرون بردند»



کابینه قوام السلطنه

همانطوریکه در دو فصل پیش گفتیم دولت حکیمی بواسطه مشکلات سیاسی

در اول بهمن ماه ۱۳۲۴
استعفا داد و فراکسیونهای
مجلس که عبارت بود از
فراکسیون میهن - ملی -
اتحاد ملی - اصلاح و
دموکرات^(۱) نتوانستند و با
توانستند در آت موقع
حساب مملکت اکثریت
بزرگی تشکیل دهند و
برای دوره فترت که بواسطه
قانون تحریم انتخابات پیش
می آمد فکری بکنند و
پس از چند روز مذاکره
بالاخره باین نتیجه رسیدند
که راجع بتعیین نخست وزیر
در جلسه خصوصی مجلس



آقای احمد قوام (قوام السلطنه)

اتخاذ رای کنند و هر کس اکثریت داشت زمامدار شود، این بود که در ششم بهمن ماه
جلسه ای مرکب از ۱۰۴ نفر نمایندگان تشکیل گردید و پس از اتخاذ رای آقای قوام ۲۵ رای
و آقای بیرنیا (مؤمن الملک) ۵۱ رای و آقای حکیم الملک یک رای داشتند که بعرض شاهانه
رسید و قوام السلطنه ریاست دولت را قبول کرد و چون می دانست که عدم رای از نمایندگان
میخواهند در موقع طرح برنامه پیشنهاد هائی بدهند و تکلیف دولت را بر ای دوره

(۱) فراکسیون توده هم در مجلس بود ولی از لحاظ اختلاف مرام هیچوقت با فراکسیونهای
دیگر همکاری نیکرد.

فترت معین کنند از ۱۸۸۶ بهمن در معرفی دولت خود بشاه و مجلس خودداری نمود^(۹) و در تاریخ ۲۹ بهمن ۱۳۲۴ بمسکو رفت و مسافرتش بدون هیچگونه دلیل تا ۱۹ اسفند یعنی دو روز قبل از انقضای مدت قانونی دوره ۱۴ تقنینیه طول کشید

(۹) آقای قوام در جلسه ۱۸۶ مجلس شورای ملی مورخ ۱۸ بهمن ۲۴ هنگام معرفی کابینه مجلس ۱۴ بیانات ذیل را نمود:

قوام - در این موقع که بر حسب تبادل اکثریت مجلس شورای ملی و امرا اهل حضرت همايون شاهنشاهی اداره امور کشور بعهده اینجانب معول گشته خاطر نمایندگان محترم را باین نکته متوجه می سازم که قبول چنین مسئولیت سنگینی از طرف من با وضع آشفته کشور و بادشواریهای بین المللی که تاریخ نظیر آنرا کمتر نشان داده است صرفاً برای خدمت گذاری بسپهر مقدس و نجات هوطنان گرامی از طوفان خطرات و مشکلات است (انشاء الله صبح است) امیدواری این جانب در توفیق بخدمت به از یاری خداوند متعال بتوجه اهل حضرت شهر یاری و تقویت مجلس شورای ملی و مخصوصاً پشتیبانی عموم ملت ایران می باشد .

بطوریکه خاطر نمایندگان محترم مستحضر است رسم بر این بود که پس از تشکیل دولت برنامه ای تهیه و بمجلس شورای ملی تقدیم شود، از بدو مشروطیت تا حال که شاید در حدود پنجاه دولت تشکیل یافته متأسفانه کمتر دیده شده است که برنامه های تقدیمی علی شده باشد و حال آنکه ملت ایران از تکرار الفاظ و عبارات بشک آمده و تشنه عدل و کار است؛ بجای آنکه بگوئیم در آنچه چه خواهیم کرد بهتر است در اسرع اوقات نشان دهیم چه کرده و چه خنمانی بانجام رسانیده ایم . این جانب حتی قبل از تشکیل کابینه تمایلات فوری ملت ایران را از قبیل آزادی اجتماعات و هزل مأمورین متجاوز و نادب محکومین و منزل نرخ اجناس مورد نظر قرار داده تصمیماتی گرفته و احکامی صادر کرده ام و در آنچه نیز با کمال شدت و بی رحمی مرتکبین اختلاس و ارتشاء را تعقیب و در هر مقام و هر کسوت باقتد بجزایز رسانیده باحتدی اجازه شفاعت نخواهم داد .

فلا چون توجه نماینده گان منظم نبل از هر چیز معطوف بحل مسائل خارجی و رفع پریشانی و نگرانی خاطر عامه است و اجراء هر برنامه و آغاز اصلاحات داخلی موقوف بحل مشکلات خارجی و استقرار امنیت و رفع اضطراب مردم میباشد لذا بمنظور وصول بقصود اساسی قبل از ۲۰ ساعت دیگر بسکو عزیمت خواهم کرد البته از مطالعه مندرجات تلگرافات متبادله بین اینجانب و رؤسای سه دولت دوست و متعلق ایران نمایندگان محترم بخواهی استحضار حاصل فرموده اند که سیاست خارجی اینجانب روی اساس موازنه و مودت و احترام متقابله بامه دولت بزرگ و متعلق ایران استوار میباشد (صبح است) و در این موقع که بر اثر تلگراف پر مهر و محبت ژنرال ایسم استالین و ابراز مودت کامل از طرف دولت اتحاد جماهیر شوروی با اعتقاد بحسن نیت و توجه همسایه نیرومند شمالی هازم مکومی باشم امیدوارم یاری خداوند متعال و پشتیبانی ملت ایران موفق شوم دوستی و مودت تزلزل ناپذیری که بین ملت ایران و ملل اتحاد جماهیر شوروی موجود است روی پایه شرافت و احترام متقابله تثبیت نموده و موجبات مزید نزدیکی و یگانگی دو ملت دوست و متحد را فراهم سازم (انشاء الله) انشاء الله بارئع هر گونه سوء تفاهم و تثبیت مناسبات مودت آمیز بین دو ملت صفاً جدیدی در مناسبات دو کشور آغاز گردیده و در سایه این دوستی و مودت روز افزون ملت ایران موفق باسایش و اصلاحات و ترقیات مهیا گردد (انشاء الله)

آقایان وزراء را باین ترتیب بمجلس شورای معرفی میکنم وزارت امور خارجه و وزارت کشور بعهده خود بنده است .

وزارت دارائی، آقای بیات، وزارت راه، آقای سر لشکر قیروز - وزارت داد گستری، آقای انوشیروان سیبیهی - وزارت پیشه و هنر، آقای احمد علی سپهر - وزارت بهداری، آقای دکتر اقبال - وزارت پست و تلگراف، آقای سهام الدین قفاری - وزارت فرهنگ، آقای ملک الشمره بهار - کفالت وزارت کشاورزی، آقای شمس الدین امیر علاء - ماموت پارلمانی نعمت و وزیر، آقای مظفر فیروز (بخشی از نمایندگان وزارت جنگ را فرمودید) بلی فراموش کردم آقای سیبیهی امیر احمدی وزیر جنگ و در نیابت بنده آقای بیات از بنده تیابت خواهند کرد.

روزی ۲۱ اسفند یکساعت قبل از انقضای دوره گزارش خود را برای آن عده از نمایندگان که جرأت کرده بودند در مجلس حاضر شوند قرائت نمود و بلافاصله دوره چهاردهم که چند روز قبل از مراجعت نخست وزیر از مسکو بواسطه عملیات هواخواهان سیاست



هیئت اعزامی بمسکو: از راست بچپ: نیکور - عمیدی - اوری - پیر نظر - دکتر شفق
عامری - قوام السلطنه - سیاح - اسدی - دری - قاسم سعودی

شوروی و نخست وزیر فلج شده بود خاتمه پیدا کرد و با نتیجه آقای قوام السلطنه بواسطه اصرار وقت نتوانست بدون هیچ قید و شرط در دوره قدرت زمامدار شود. البته آنچه در مسکو مذاکره شده بود در گزارش ایشان نبود و اگر بدولت اتحاد جماهیر شوروی وعده نفت نداده بود از او با آن تجلیل پذیرائی نمی گردید چنانکه دولت شوروی با مسافرت آقای حکیم الملک بمسکو موافقت ننمود.

اکنون ما تاریخ حوادث را بجلو برده در اینجا بعضی وقایع بعدی که ارتباط با موضوعات مندرجه در این کتاب دارد اشاره مینمائیم؛ نتیجه مذاکرات نخست وزیر با دولت اتحاد جماهیر شوروی منجر بسندور اعلامیه ای شد که عیناً از روزنامه اطلاعات شماره

ابلاغیه در باره
مذاکرات شوروی
و ایران

۶۰۲۳ مورخ ۱۷ فروردین ۱۳۲۵ در این جا درج میشود:

ابلاغیه

مذاکراتی که از طرف نخست وزیر ایران در مسکو با اولیاء دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی آغاز و در تهران پس از ورود سفیر کبیر شوروی ادامه یافت در تاریخ ۱۵ فروردین ۱۳۲۵ مطابق با چهارم آوریل ۱۹۴۶ به نتیجه ذیل رسید

و در کلبه مسائل موافقت کامل حاصل گردید :

- ۱- تست‌های ارتش سرخ از تاریخ ۲۴ مارس ۱۹۴۶ یعنی يك شبه ۴ فروردین ۱۳۲۵ در ظرف یکماه ونیم تمام خاک ایران را تخلیه می نمایند
- ۲- قرارداد ایجاد شرکت مختلط نفت ایران و شوروی و شرایط آن از تاریخ ۱۴ مارس تا اثنای هفت ماه برای تصویب بمجلس شانزدهم پیشنهاد خواهد شد .
- ۳- مراجع آذربایجان چون امر داخلی ایران است قریب مسألت آمیز برای اجرای اصلاحات بر طبق قوانین موجوده و با روح خیرخواهی نسبت با اهالی آذربایجان بیندولت و اهالی آذربایجان داده خواهند شد

امضاء | نخست وزیر کشور شاهنشاهی ایران : احمد قوام

امیر کبیر دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی : سادچیتکی



اگر کار آذربایجان از امور داخلی بود تعهد رویه مسألت آمیز از طرف دولت مستقل مورد نداشت، دولت مستقل ایران هر طوری که صلاح خود می دانست رفع اختلاف می نمود چنانکه کرد و بسی جای خوشبختی است که قرارداد وثوق الدوله با دولت انگلیس و تعهدات قوام با دولت اتحاد جماهیر شوروی در نتیجه عدم رضایت ملت ایران و رقابت سیاسی دولتهای ازین رفت



هنگام امضاء اعلامیه مشترك ایران و شوروی

از راست بچپ: کاسائی مترجم سفارت شوروی - مظفر قیرو ز معاون نخست وزیر - قوام السلطنه - سادچیتکی

موافقت نامه: قوام - سادچیکف

در باب شرکت نفت ایران و شوروی

دو روز بعد از صدور ابلاغیه بالا بین دولت ایران بنمایندگی آقای قوام نخست وزیر و دولت اتحاد جماهیر شوروی بنمایندگی آقای سادچیکف سفیر آن - دولت قرارداد تشکیل شرکت مختلط نفت ایران شوروی امضاء شد که اینک متن آنرا از روزنامه اطلاعات شماره ۶۰۲۴ مورخ ۱۹ فروردین ۱۳۲۵ در ذیل نقل مینمائیم .

قرارداد تشکیل شرکت مختلط نفت ایران و شوروی

۴ آوریل ۱۹۴۶

۱۵ فروردین ۱۳۲۵

جناب آقای سادچیکف خبر کیر اتحاد جماهیر شوروی موصیایین!

پرو مذاکرات شفاهی که بین ما عمل آمده است معزماً باستحضار آن جناب میرساند که دولت اعلیحضرت شاهنشاهی ایران موافقت مینماید که دولتین ایران و شوروی شرکت مختلط ایران و شوروی برای تجسات و بهره برداری اراضی نفت خیز در شمال ایران با شرایط اساسی ذیل ایجاد نماید .

۱ - در مدت بیست و پنج سال اولی عملیات شرکت، چهل و نه درصد اسهام بطرف ایران و پنجاه و یک درصد اسهام بطرف شوروی متعلق خواهد بود و در مدت بیست و پنج سال دوم پنجاه درصد اسهام بطرف ایران و پنجاه درصد به طرف شوروی متعلق خواهد بود .

۲ - منافعی که بشرکت عاید گردد متناسب مقدار اسهام هر يك از طرفین تعیین خواهد شد .

۳ - حدود اراضی اولی که برای تجسات اختصاص داده می شود همان است که در نقشه ای که جنابعالی در ضمن مذاکرات در روز ۲۴ مارس با پنج ساتب واگذار فرموده اید با استثنای قسمت خاک آذربایجان غربی که در باختر خطی که از نقطه تقاطع حدود اتحاد جماهیر شوروی و ترکیه و ایران آغاز و بعد از سواحل شرقی دریایچه رضاییه گذشته تا شهر میان دو آب میرسد واقع است. همانطوریکه در نقشه مزبور روز ۴ آوریل سال ۱۹۴۶ اضافه تعیین گردیده است ضمناً دولت ایران متعهد میگردد تا خاک را که در طرف غرب خط سابق الذکر واقع است امتیاز کسب رانی های خارجی واگذار ننماید .

۴ - سرمایه طرف ایران عبارت خواهد بود از اراضی نفت خیز مذکور در ماده ۳ که پس از عملیات فنی دارای جاههای نفت و محصولات آن قابل استفاده بشرکت خواهد گردید و سرمایه طرف شوروی عبارت خواهد بود از هر قبیل مخارج و آلات و ادوات و حقوق متخصصین و کارگران که برای استخراج نفت و تصفیه آن مورد احتیاج خواهد بود .

۵ - مدت عملیات شرکت پنجاه سال است .

۶ - پس از اقبضای مدت عملیات شرکت دولت ایران حق خواهد داشت اسهام شرکت منطلق بطرف شوروی را خریداری نماید و یا مدت شرکت را تمدید کند .

۷ - حفاظت اراضی مورد تجسات و جاههای نفت و کلیه تأسیسات شرکت

متحصراً بوسیله قوای تأمینیه ایران خواهد بود .
 قرارداد شرکت نفت مختلط شوروی و ایران مزبور که بعداً مطابق متن این نامه
 عقد میشود به مجردی که مجلس شورای ملی ایران انتخاب شد و به عملیات قانون-
 گذاری خود شروع نماید در هر حال نه دیر تر از مدت هفت ماه از تاریخ ۲۴ مارس
 سال جاری برای تصویب پیشنهاد خواهد شد.
 موقع را مقنن دانسته احترامات فائمه را تجدید مینماید . اعضاء : نخست وزیر دولت ایران - قوام

ضیافت دروزر لغاریه

در ۳۱ فروردین آقای قوام نخست وزیر مجلس ضیافتی با افتخار سادچیکف
 سفیر کبیر اتحاد جماهیر شوروی ترتیب داد که قسمتی از نطق آنها از روزنامه اطلاعات
 شماره ۶۰۳۴ نقل میشود :

از نطق نخست وزیر: «... هنگامی که من در مسکو بملاقات ژنرال الیم استالین پیشوای
 بزرگ و محبوب اتحاد جماهیر شوروی نائل شده و شاهد عظمت و سخاوت دولت
 اتحاد جماهیر شوروی گردیدم متقد شدم باید از چنین دولتی همه چیز خواست و
 هیچ نداد و اتفاقاً همینطور شد... »

خوب بود که نخست وزیر میفرمود که در ازاء تعهد شرکت نفت دولت شوروی
 بکشور ایران چه اعطاء کرد.

از نطق سفیر میسر: «... در عصر حاضر همانطور که در تشریفات برای خانها استعمال
 جواهرات بدل مطلوب نمی باشد معتقدم در تشریفات اصول دیپلماتیک نیز اگر الفاظ
 و اصول بویج دور انداخته شده و صادقانه بعمل پرداخته گردد مناسب تر خواهد
 بود و بهمین جهت است که اقدامات این مدت که عملاً منجر به حصول نتایج مطلوبه-
 گردیده بسی مایه مسرت میباشد در این جا است که باید متذکر شوم که شخصیت و
 صداقت و حسن عمل شخص جتایحالی که زمام امور کشور ایران را در دست دارید
 مهمترین و مؤثرترین کمک جهت ایجاد حسن تفاهم حاصله بین دو کشور و اخذ نتیجه
 مطلوبه بوده است، بدیهی است اگر مادر این چند هفته توانستیم چنین دوستی و مودت
 را روی پایه صداقت و عمل بین دو کشور استوار سازیم دلیل این است که در آینده
 بسوقیت های بیشتری نیز نائل خواهیم شد... »

تخلیه ایران از ارتش بیگانه

جناب آقای قوام الطیحه نخست وزیر ایران !

در تنقیب اظهارت شفاهی که این جانب موافق دستور دولت شوروی در ۱۲ ماه مه
 سال جاری کرده است بدینوسیله محترماً تأیید می نماید که تخلیه قشون شوروی
 از ایران مطابق نطق تخلیه که از طرف ستاد ناحیه نظامی قفقاز در اواخر ماه
 مارس سال جاری اعلام گشته است نهم ماه مه کاملاً انجام خواهد یافت .

خواهشمند است صمیمی ترین احترامات این جانب را قبول فرمائید . اعضاء : سادچیکف

مسئله فترت

www.CheBayadKard.com

و

بعضی مسائل مهم دیگر

ازاول مشروطیت تا افتتاح مجلس یازدهم کشور ماچند بار دچار فترت شده است. فترت یعنی فاصله بین يك دوره تقنینیه و دوره بعد که در نخستین بار این فاصله بواسطه اولتیماتوم دولت روسیه تزاری پس از خاتمه مجلس دوم و افتتاح مجلس سوم پیش آمد. و بار دوم نیز در اثر مشکلات سیاست خارجی و وقوع جنگ اول جهانی از واسط دوره سوم شروع و تا آغاز مجلس چهارم که نسبتاً فاصله طولانی نداشت منقضی گردید در این دربار بواسطه نبودن مجلس و تعطیل اصول مشروطیت دولتهائی که روی کار میآمدند بدون توجه بقانون اساسی و مقررات و ستون حکومت ملی هر کاری را بدلتخواه خود میکردند چنانکه در ایام فترت کارهای دولتی از مجرای عادی خارج و وضع کشور بکلی عوض و قسمت اعظم قوانین زیر پا گذاشته شده بود و دولتها خود عهدہ دارانجام وظایف مجلس میشدند.

در فترت دوم بتوقیف جرایم و ایجاد حکومت نظامی و حبس و تبعید آزادینخواهان که طلبه اجرای نقشه های شوم آینده بود اقدام شد و نطفه قرارداد ۱۹۱۹ در همان ایام منعقد گردید و عاقد قرارداد هر صدائی که از میهن پرستان بلند میشد بی محابا خاموش میکرد و در مقابل کسی مورد چون و چرا قرار نمیگرفت و بار سوم فترت اخیر است که بعد از انقضای دوره چهاردهم تقنینیه یعنی از بیست و یکم اسفند ماه ۱۳۲۴ شروع و در بیست و پنجم تیر ماه ۱۳۲۶ که مجلس افتتاح شده خاتمه یافت.

در ۱۹ مهر ماه ۱۳۲۴ که مجلس قانون تحریم انتخابات را تصویب نمود و صدور فرمان شاهانه راجع به شروع انتخابات دوره یازدهم بموقعی مخول گشت که قشون یگانه از کشور برود همه میدانستند که قبل از انقضای دوره چهاردهم تخلیه کشور از قشون خارجی میسر نیست و مشروطه سوم هنوز رشد نکرده دچار يك فترت طولانی خواهد شد

ولی نظر رأی دهندگان بقانون این بود که با بودن قشون خارجی در شمال حزب توده در انتخابات صفحات شمالی موفقیت حاصل میکند و باید انتخابات را تحریم نمود و در روزهای آخر، دوره مجلس را تمدید کرد - در صورتی که دکتر مصدق با تمدید مجلس مخالف و نظرس این بود که اول باید قانون انتخابات را تجدید نظر نمود که در هیچیک از نقاط مملکت باین حق ملی تجاوز نشود و پس از تجدید نظر اگر لازم باشد انتخابات را معوق گذاشت تا قشون خارجی برود که نظریات ایشان در این کتاب در ضمن مطالبی که راجع باقلیت مجلس چهارده نگارش یافته بتفصیل بیان شده است^(۹) و آنچه بنظر ما میرسد این است که قانون تحریم انتخابات از این نظر که برای دوره فترت مقرراتی نداشت ناقص بود و هیچکس قبول نمیکند که نمایندگان مؤثر در تصویب این قانون آینده تاریخ کشور و تعطیل مجلس و عدم اجرای اصول مشروطیت که نتیجه قهری آن بود پیش بینی نمیکردند و مضار عمل خود را نمیدانستند. بدیهی است که ملاحظات سیاسی و نظریات خصوصی که در روزهای آخر مجلس را تمدید کنند و باز دو سال دیگر کرسی های نمایندگی را اشغال نمایند سبب شد که رأی دهندگان نتوانند بیانخواهند وظیفه خود را انجام دهند و بسیار جای تأسف است که احزاب سیاسی کشور هم که مبیایست در حفظ اصول و اساس مشروطیت بکوشند و برای تأمین آزادی جدید کتند در خواب غفلت فرو رفتند و کوچکترین نظاهری برای این مهم حیاتی نمودند. البته اوضاع مجلس و عدم علاقه مردم با آزادی و مشروطیت سبب شد که قوام السلطنه از مقام خود سوء استفاده کند و مقدمات کار را برای مطلق العنانی خود فراهم نماید.

توضیح آنکه همانطوریکه در فصل سابق گفتیم مجلس شورای ملی در ششم بهمن ماه با ایشان اظهار تمایل نمود و نخست وزیر دولت خود را در بیست و هفتم به پیشگاه سلطنت و بیست و هشتم بمجلس معرفی نمود و هیچ دلیلی برای اینکه در آن ایام بحرانی بجهت علت این درجه در معرفی دولت تأخیر شده بود ذکر نکرد.

در تاریخ ۲۹ بهمن نخست وزیر بمسافرت مسکورت و ۱۹ اسفند یعنی یک روز قبل از انقضای دوره چهارده تعیینیه وارد تهران شد و امر از وقت از این نظر بود که برنامه دولت مطرح نشود و هیچیک از نمایندگان نتوانند پیشنهادی راجع به جلوگیری از خلاف کارهای مختلفه در دوره فترت بکنند و تصمیماتی در تفع مملکت اتخاذ نمایند

(۹) مراجعه شود صفحات ۱۶۶ و ۱۶۷ این کتاب.

در غیاب نخست وزیر هم ترتیب کارطوری داده شده بود که چند روز با آخر دوره عمل ایشان و بیگانه در میدان بهارستان هجوم کنند و از هیچ کاری خودداری ننموده و مجلس را بکلی فلج نمایند تا اینکه خود نمایندگان هم نتوانند برای ایام دوره فترت فکری کنند و تصمیمی اتخاذ نمایند.

یگانه کسی که چند ماه قبل از تقضای دوره و تا آخرین جلسه مجلس، نمایندگان و مردم را بمعایب فترت متوجه نمود دکتر مصدق بود که هر فرصتی که بدست می‌آمد آبنده ناگوار را گوشزد میکرد و اگر نمایندگان و متولیان مجلس ۱۴ یعنی همان‌هایی که خود مسبب ایجاد فترت بودند و بعداً از مقارله‌نامه نفت و طرز جریان انتخابات دوره پانزده و تصویب‌نامه‌های خلاف قانون و صدور جوازها و قرار داد مربوط بمستشاران نظامی امریکا که همه محصول حکومت قوام در دوره فترت بوده می‌نالیدند در آن روز بانمایندگانی طهران همکاری میکردند و برای ایام فترت طرح عاقلانه‌ای میریختند مسلماً هیچیک از حوادث ناگوار ۱۸ ماهه پیش نمی‌آمد و مملکت میتوانست استفاده‌های بسیاری از رقابت بین‌المللی بکند ولی افسوس اینکار انجام نشد و موقع بسیار مهم و ذی‌قیمتی از دست مردم رفت.

بیانات دکتر مصدق

در جلد ۲۴ بهمن ۲۴

اکنون بیانات نماینده اول تهران را از مذاکرات مجلس شماره ۲۹۴ مورخ ۲۴ بهمن ۱۳۲۴ صفحه ۱۰۵۹ تا ۱۰۶۱ نقل میکنیم :

در این نطق دکتر مصدق در خصوص جلوگیری از دوره فترت و انتقاد از آقای - تقی زاده راجع بانتخاب آقای سهیلی بسمت نمایندگی ایران در سازمان ملل متفق مطالبی گفت که بی اندازه حائز اهمیت است و در ذیل بنظر خوانندگان عزیز میرسد :

دکتر مصدق - عرایضی که بنده امروز میخواهم بکنم روی دوره فترت است. بنده تصور میکنم که امروز هیچیک از آقایان معتقد ب فترت نباشند (صحیح است) میل دارند که بعد از این مجلس وضعیت مملکت بکطوری باشد که روی قانون اساسی و مشروطیت اداره بشود (صحیح است) و هیچکس با این نظر مخالف نیست. منتهی این است که طرز موقفیت در نظر بعضی از آقایان بک طور و در نظر بعضی از آقایان دیگر طور دیگر است ممکن است بعضی آقایان تصور کنند که اگر دوره را تمهید بکنند بهتر است البته بنده هم با این قسمت

موافق هستم که اگر نمدید بکنیم خیلی سهلتر است بجهت اینکه بایک قیام و قعود همین مجلس دو سال دیگر سر جای خودش میماند، یادوما، یا هر چه باشد، اما این کاریک مشکلاتی دارد، بنظر بنده مشکلات قانونی و مشکلات عملی که برخلاف مصالح مملکت است که اینها را بنده در تعقیب عرایض اخیر خودم عرض میکنم و استدعا میکنم آقایان توجه فرمایند برای این دوره فترت فکری بشود چون منتهی بیست و پنج روز دیگر از عمر این مجلس باقی نمانده است در این بیست و پنج روز اگر از حالا شروع نکنیم من گمان نمیکنم که یک کار بزرگی را انجام بدهیم؛ استدعای بنده این است بعد از این که بنده عرایض خودم را کردم هر طور آقایان صلاح میدانند کمیونی از شعب انتخاب بکنند، کمیونی از دستجات مجلس انتخاب بشود مطالعه بکنند و نظریات خودشان را برای تعیین تکلیف ایام فترت بمجلس پیشنهاد بکنند و هر چه زودتر این کار عملی بشود (صحیح است) ...

توضیح در باره: «ایب قانون تحریم انتخابات

آقایان نمایندگان محترم! ...

مذاکرات خلاف انتظار جلسه پنجشنبه ۱۸ بهمن (صحیح است) بقدری بیوقه و ناگوار بود که از نگرانی نائبراتی که ممکن است این تظاهرات نابهنگام در وضعیت بحرانی امروز کشور ما داشته باشد آنی راحت و آسوده نبوده‌ام !! ...

در روزهای تیره و تاری که خطر تجزیه و دنباله آن خطر جنگهای داخلی یعنی خونریزی و برادر کشی تمامیت و موجودیت همه چیز ما را تهدید میکند و ابرهای تاریکی که در افق سیاست بین‌المللی ما تراکم شده و فقط در یک گوشه بارقه امیدی نمودار و مقدرات ما بیونی بسته است و باید از هر حرکت و عملی که این مورا پاره کند بپرهیزیم ناگهان همکاران عزیز من برمیخیزند و داد سخن میدهند؛ یکی پیشنهاد تمدید دوره چهاردهم را طرح میکند و دیگری تحت عنوان تقدیر از ناظین شورای امنیت بیاناتی میکند که مسکن است خدای نخواسته تعبیر بتظاهر در زمینه سیاست یک‌جانبه و وسیله سوء تفاهم و بیانه‌جویی بشود.

آقایان نمایندگان محترم! ..

مگر توجه ندارید که جریانات دهشتناک اخیر عکس العمل اشتباهاتی است که قسمت اعظم آن در این مجلس شده؛ مگر نمیخواهید اذعان فرمائید که روی کار آوردن حکومت صدور با فشاری در نگاهداری او برای کشور چقدر گران تمام شد (بعضی از نمایندگان خیلی) آنروزی که طرح تحریم انتخابات با آن شتابزدگی و ناگهانی از مجلس گذشت (صحیح است) و من عرض کردم که با اوضاع حاضر صلاح مملکت نیست و پیشنهاد مقابلی دادم که از راه اصلاح قانون انتخابات در فکر تامین آینده یعنی حسن انتخاب مجلس آینده بشویم و همسایگان را عصبانی و ظنین نکنیم و بگذاریم تعهد خود را مطابق قرارداد سه جانبه احترام و اجراء نمایند مراد در مخالفت با طرح تحریم انتخابات متهم به بیگانه پرستی میگردید، من آن روز این روزهای وخیم را پیش‌بینی میکردم و از تهمت نمی ترسیدم، من هر جا که صلاح مملکت را تشخیص میدهم حرف خود را بدون پروا میزنم و از این تهمت‌ها باکی ندارم.

مشکلات تمدید مجلس - اصلاح قانون انتخابات

انتخاب باطهران و تشکیل مجلس

امروز هم آنچه میخواهم بگویم در صلاح مملکت تشخیص داده‌ام و عرض میکنم مقربان هم هر چه میخواهند بگویند. طرح تمدید مجلس نه با قوانین و اصول حقوق سازگار است و نه آغاز این همه با اوضاع حاضر کشور اقتضا و صلاحیت دارد.

قطع نظر از اینکه قانون اساسی صریح و مدت نمایندگی دو سال است یعنی در انقضای مدت دو سال مجلس بخودی خود منحل و ست نمایندگان زایل میشود و موکلین ماحق دارند نمایندگان جدیدی انتخاب کرده امور کشور را بآنها بسپارند از نقطه نظر حقوقی يك و كیل حق ندارد بتصمیم خود بر اختیاراتی كه از طرف موكل باو تفویض شده چیزی بیفزاید از جمله مدت اختیار خود را تمدید كند.

از لحاظ مقتضیات زمانهم برواضح است كه طرح تمدید مجلس مؤید قانون تحریم انتخابات و ممكن است مخاطرات سیاسی كه آن قانون برای ما پیش آورد با این طرح تشدید و دامنه آن توسعه یابد و اما اینکه گفته شد اعتراض كردن كافی نیست و باید برای تجاویز از فترت راه حل پیدا كرد بنظر من راه حل اینست كه بهموطنان خود بفهمائیم ما نمیخواهیم بهر قیمتی كه باشد انتخاب شویم قانون انتخابات را تجدید نظر میكنیم برای اینکه تطبیح و تهدید در رأی دهندگان اثر نكند و کسی نتواند آراء آنها را عوض نماید و این كار تأمین میشود مگر اینکه رأی دهندگان باسواد باشند و با نهایت آزادی رأی خود را در انجمن نظارت بنویسند و بدست خود وارد صندوق نمایند و انتخابات هم يك روز خانه یابد كه شب صندوق در انجمن نمایند كه با آن معامله كند كه میخواهند بكنند.

من برای اینکه نمایندگان فعلی از انتخاب خود نگران نشوند در طرحی كه برای انتخابات كل کشور تهیه کرده باین قائل شده ام كه قانون فعلی انتخابات در تمام دهستانهای کشور اجرا شود و اهالی دهستانها ۱۲۶ نفر نمایند برای مجلس شورایی انتخاب كند و از اصل ۴ قانون اساسی كه عده نمایندگان را ۲۰۰ نفر اجازه میدهد استفاده نموده ام باین طریق كه ۷۴ كرسی باقی راسا كین باسواد شهرستانها بتناسب هر ۷۰ هزار نفر يك نماینده انتخاب كند و چون نمایندگان محترم نخواستند با این طرح موافقت كند این جانب از اصل ۶ قانون اساسی استفاده نموده طرح دیگری برای انتخابات شهر تهران تهیه نمودم كه فوراً تصویب و بموقع اجرا گذارده شود و از فترت كه عموماً از آن نگرانند جلوگیری كند و بلافاصله بعد از انقضای این دوره نمایندگان وارد مجلس شوند و انتخابات سایر نقاط کشور با حضور مجلس انجام شود كه مجربان برخلاف مقررات كاری نكند و وظیفه خود را تحت نظارت نمایندگان تهران انجام دهند.

چنانچه بضاطر بیاوریم كه در صدر مشروطیت مؤسسان آن از بیم نفوذ استبداد در ولایات و عدم شركت آنها در انتخابات اصل ششم را در نظر گرفتند تا اینکه مشروطیت قوام پیدا كند و نهال تازه كار آن را دستگاه استبداد از بیخ نكند باین نتیجه میرسیم كه تاریخ بنحو دیگر تجدید شده و ما امروز مواجه با وضعیتی هستیم كه استفاده از اصل مزبور در این موقع ضرورت پیدا کرده است و بهمان لحاظ كه مؤسسان مشروطیت عده نمایندگان اصنافی را در دوره اول ۶۰ نفر تعیین کرده بودند ما هم امروز برای اهالی تهران كه مخلوطی از وجوه اهالی ولایات در آن جمع است ۳۰ نفر قائل شویم.

من هر قدر فكر میكنم نمی توانم درك كنم چرا مجلس بدوره فترت كه با این وضع قهراً پیش میآید بی قید است. مگر نبود كه نقشه كیسیون نظارت بین المللی كه نوعی از قیومت است بواسطه بودن همین مجلس نقش بر آب شد (اردلان - صحیح است) و اگر مجلس نبود دولت ناچار میشد تشكيل كیسیون را تصویب كند و دوره ۱۵۰ تقنینیه را در مقابل كاری خانه یافته قرار دهد - در این آخر دوره كه دقائق آن را باید مفتنم شمرد بمنزله كه دولت تشكيل نشده نباید متجارب از ۲۰ روز جلسات مجلس را تعطیل كرد و ممكن است كه این لایقینی ما را دچار فترت و منلكت را گرفتار عواقب وخیم كند (صحیح است) ما انتظار داشتیم كه جناب

آقای نخست وزیر هر چه زودتر دولت خود را از اشخاصی که مورد توجه جامعه باشند تشکیل و بمجلس معرفی کنند و چنانچه مجلس ببرنامج دولت ایشان رای نمیداد با رتبه جنت مکانی کناره جوئی نمایند.

ما انتظار نداریم که ایشان بانجریبات تلخی که ازدوره دیکناتوری دارند در چنین موقع مهمی غفلت و برای خود ایجاد يك مسؤلیت تاریخی کنند (صحیح است)

کلمه از تظاهر بی موقع در باره ناظرین شورای امنیت

من عرض شخصی با کسی ندارم، من هم آقای بوین وزیر امور خارجه انگلیس را قابل تقدیر میدانم برای اینکه خادم صدیق امپراطوری انگلیس است و آنچه در شورای امنیت اظهار نموده اند برای حفظ منافع و مصالح امپراطوریت و تاسف من این است که چرا ما این قبیل رجال خادم و وطن پرست نداریم یا خیلی کم داریم. مگر ندیدید که طرح شکایت ایران در شورای امنیت موجب طرح شکایت متقابل شوروی از اوضاع یونان گردید و آن سخنرانی های بر حرارت بین طرفین مبادله شد و اگر دفاعی از ما بعمل آمده است از لوازم این مناقشه بوده که ما را میخواهند بازیچه بین المللی بکنند و ما باید از بازیچه و وجه المصلحه شدن بپرهیزیم و مراقب باشیم که کلاهمان را خودمان حفظ کنیم و الا همین سیاستمداران بودند که بعد از آنجن مسکو نقشه مداخلات مشترك خودشان را در شئون این کشور و تجزیه ایران میکشیدند که با مخالفت شدید نمایندگان مجلس و انکار عمومی ایران مواجه شد و مسکوت ماند و وقتی که از آن یاس حاصل گردید در جلسه شورای امنیت صف آرائی کردند و نسخه ای که بدست هیئت اعزامیه ماداده شده بود در آنجا خواندند، البته از نتیجه مذاکرانی که در شورای امنیت بعمل آمد خوشنود و امیدواریم که ما بتوانیم در سایه منشور ملل متفق موجودیت خود را حفظ کنیم و احترامی که از متفقین خود توقع داریم در قبال فداکاریهایی که در حصول پیروزی آنها نموده ایم مرعی باشد، ولی تقدیر از مأمورینی که میدانیم از خود عقیده ثابتی ندارند و گذشته آنها این معنی را ثابت میکنند و تظاهر يك طرفی کردن در مجلس در موقعی که باید پیش از هر وقت مراقب حفظ موازنه باشیم خلاف مصلحت و دور اندیشی است.

کلمه از آقای تقی زاده و تذکار سوابق او

من از لحاظ روابط شخصی و سابقه دودوره همکاری نزدیک در مجلس با آقای تقی زاده ارادت دارم و از لحاظ اینکه ایشان اهل علم و ادب هستند بایشان احترام میکنم اما پای مصالح مملکت که به میان میاید نمیتوانم حقایق را فراموش کنم.

آقای تقی زاده از ابتدای مشروطیت تا کون وارد در هر معرکه شده اند تحت تأثیر عوامل خارجی بوده اند (بکثرت از نمایندگان - نهیت نزنید) (همه شدید نمایندگان - زنگ رنك) (بعضی از نمایندگان - اینطور نیست آقای) (عده دیگر از نمایندگان - صحیح است)

دکتر مصدق - صحبت نکنید آقای، خواهش میکنم بعد بیایید جواب بدهید. توسل و تحمیل ایشان در انقلاب مشروطیت بیک سفارتخانه ای که در آن روز کار مصلحت سیاسی خود را در آن میدید که از مشروطه طلبان حمایت و با محمد علی شاه قاجار پادشاهی که موازنه را فراموش کرده بود مخالفت بکند، کسی فراموش نکرده است و شاه هم بر اثر همین خطب سیاسی تاج و تخت خود را بیاد داد:

آقای تقی زاده در مجلس پنجم تغییر سلطنت را اخلاف قانون اساسی اعلام کرد ولی پس از انقضاء مجلس ششم که دولت در انتخابات طهران مداخله نمود و انتخاب نشد طبق بندگی همان سلطنتی را که خلاف قانون اساسی میدانست بگردن نهاد.

پور رضا - اینہم صحیح نیست .

کاظمی - این آقا صحیح نیست، سلیمان میرزا ہم اینکار را کرد.

دکتر مصدق - باموریت های استانداری - سفارت و وزارت او مختار گردید و از لواج مالی آن دستگاه که در موقع نمایندگی مورد مخالفت او ود در موقع وزارتش با تعصب



مرحوم محمد علی شاه قاجار

مراجعه شود بمطلب آخر صفحه قبل

حساب کردیم یا بس نتیجه رسیدیم که در اثر تمديد سی و دو سال یکصد و شصت میلیون لیره بمملکت ضرر رسیده است و مرحوم مشیرالدوله با کمال تأسف میفرمود گمان نمیکنیم هیچکس حاضر باشد این اندازه ضرر بوطن خود بزند!

سوابق علی سہیلی و اعتراض بانقلاب او

و اما راجع بامور دیگر که ما او را از درآندیم و در این اواخر وقتای او می خواهند با لطایف العجل از پنجره واردش کنند (صحیح است) که مورد تقدیر آقای سید محمد طباطبائی واقع شدیم. ام چه بگویم - کسی که خلاف امانت او برخاسته و عام هویدا شده، کسی که در مقابل اجانب تا این اندازه ضعف نفس نشان داده، (صحیح است) صفوی - هیچ همچو چیزی نیست) و اجانب را در شئون مملکت دخالت داده، کسی که برای نگاهداشتن صندلی و مسند خود هر روز گذشتہائی بضرر ایران کرده و پیمان سہجانہ را در عمل قف نموده (فیروز آبادی - آقا این جورها نیست ، چرا این فرمایشات را میکنید) (اردلان - راجع بہ سہیلی است) (فیروز آبادی - سہیلی است؟ بیخشد آقا) (خندہ نمایندگان) آنچه را کہ بفتح ایران بوده بلاجرا گذاشته و این ملت تیرہ بخت را در زیر فشار الزامات (الزاماتی

که در خود پیمان هم پیش بینی نشده بود) مضحک کرد و تسلیم قحط و غلا و مرگ سیاه نمود کسی که ایرانیان را در خاک ایران تسلیم نظامیان اجنبی نمود که با آنها هر چه میخواهند بکنند. کبک در عمر خود يك کلمه حرف راست بکسی نزده - کبک انتخابات دوره ۱۴ را با آن وضع فضیح جربان داد و از مداخلات اجانب در جریان انتخابات حمایت و با این رویه بعضی از نمایندگان راهم که انتخاباتشان مورد تهدید نبود، بدنام کرد و بالنتیجه اوضاعی پیش آورد که منشاء تمام اشکالات سیاسی امروز ما است و مملکت را بسوی تجزیه سوق داده است بالاخره کبک با همه تردستی و زورنگی در اختفاء، خلافتکاری های خود دلایل ۵ فقره جرمش آشکار و در مجلس شورایی مطرح شده است و کمیسیون قوانین دادگستری علی رغم نشأت هوا خواهان او دو فقره از جرائم او را تا کنون تصدیق کرده و گزارش مجرمیت او حاضر است؛ امروز باید در میان نمایندگان ایران در سازمان ملل متفق جلوس کنند. انتخاب او در این هیئت بقدری مفتضح بود که مدتی آنرا مخفی نگاهداشته و او را بطور قاچاق بلندن رساندند و ما را بایک عمل انجام شده مواجه نمودند. تعجب است که جناب آقای حکیمی و وزیر خارجه ایشان علی رغم جربان چندین فقره اعلام جرم رسمی در مجلس رعایت احترام مجلس و افکار عمومی را ننموده و بیک چنین انتخاب تنگینی دست زده است و باز تعجب است که دولت فعلی هنوز این عمل دولت سلف را معتبر شناخته است!!

آقای قهی زاده حق داشتند که رعایت رفاقت را بکنند و در عوض عمل سبیلی که ایشان را سفارت لندن انتخاب کرد تلافی و حق شناسی نمایند ولی ما که در این محاسبات وارد نیستیم باید بگوئیم مگر واقعاً آدم قحط است که ما تحمل کنیم بک چنین متهمی بچنین ماهوریت حساس گماشته شود و ملت ایران را در انظار سایر ملل بی آبرو کند. در يك موضوعی که بزرگترین منافم حیاتی کشور در مخاطره است ما باید رجال را در مذاکرات بین المللی دخالت دهیم که از هر حیث مورد اطمینان باشند و کوچکترین تردینی در امانت و صداقت آنها نباشد، نه يك مردی که بین اجانب هم بخلاف امانت و اخلاق ردیله معروف است و هر يك از بیم آنکه عامل طرف مقابل است از مذاکره صادقانه با او خودداری کند در این میان مصالح ایران پایمال شود، نه يك مردی که پای بند مصالح ایران نبوده و از او حیاتی ندارند و او را اهل معامله و سازش های خصوصی میشناسند و از او که بعریفشان بیشتر اطاعت نموده است نگرانند، وقتی که رادیوی لندن زبان روسی دانستن این شخص را نصب العین میکند متعجب میشوم که کی را میخواهند گول بزنند ما را با حریف را؟ ما مردی را میخواهیم که زبان ایرانی را خوب بداند و همیشه بزبان ایران حرف بزند؛ نفس زبان خارجی را همیشه بایک مترجم قابل میشود رفع کرد؛ ولی نقابص اخلاقی را بهیچ ترتیب نمیتوان مرتفع نمود؛ آقایان!! من با کسی عرض شخصی ندارم و مقصودم از این تصدیح این است که آقایان همقطاران عزیزم را متوجه باهیت موقع و وخامت اوضاع حاضره بکنم.

خاتمه نطق - باز اشاره بوقایع آذربایجان

امروز آذربایجان یعنی عزیز ترین قطعه ایران بمخاطره افتاده (صحیح است) و بر ماست که با تمام قوا آنرا نجات دهیم (صحیح است) اگر ما غفلت کنیم ممکن است خدای نخواسته قطعات دیگر این مملکت هم دچار همین تقدیر بشود، ما از هر عمل، هر سخن، هر انتخابی خلاصه هر اشتباهی که احتمال بدهیم بروخامت اوضاع حاضره مامی افزاید باید جدأ احتراز کنیم (صحیح است)

سره حل پیشنهادی
دکتر مصدق برای فترت

نماینده اول تهران در جلسه هفتم اسفند ۲۴ برای جلوگیری از فترت سه راه حل پیشنهاد نمود که از مذاکرات مجلس شماره ۳۰۵ صفحه ۱۰۹۷ و ۱۰۹۸ نقل میشود:

دکتر مصدق - اجازه میفرمائید؟

نایب رئیس - بفرمائید.

دکتر مصدق - قبلاً اگر آقایان اجازه میفرمائید بنده پنج دقیقه در يك مسائل اساسی يك عرایضی بکنم چون ممکن است دیگر دستم باین تریبون نرسم، حالا اگر اجازه میفرمائید فقط پنج دقیقه عرایضی عرض کنم. بنده داخل در این مسئله نمیشوم که دوره چهاردهم - برای مملکت چه کرده است. باچه نکرده، هیچ نمیخواهم این عرایض را در این مجلس بکنم که مجلس را متشنج بکنم فقط میخواهم عرض کنم مردم از این دوره چهاردهم راضی نیستند، بیائید يك کاری بکنید که بعد از دوره چهاردهم بدوره چهاردهم بدنگویند (فداکار - خواهی نخواهی میگویند) زیرا اگر دوره چهاردهم در حضور خودش کاری نکرده خوب است يك کاری بکنید که در غیابش مملکت را دچار فترت نکند، این عقیده بنده است، بنده از فترت خیلی میترسم، از فترت چیزهای بسیار بدی دیده‌ام، هر خطری متوجه این مملکت شده است از فترت شده اگر قرار داد بسته شد در موقع فترت بسته شده، اگر کودتا شده در فترت شده (صحیح است) امروز من هیچ خیال نمیکنم، شما شاید هر يك دارای عقیده ای باشید ولی بدانید که يك روزی خواهد آمد که پشیمان شوید (با حال تأثر و اشک چشم) نکنید این کار را آقا، شما سیزده روز بیشتر در اینجا نیستید، بخدایک روزی خواهد آمد دو سه نفر دور هم بتوانیم بشینیم (صحیح است) بیائید در این مجلس را بنشینید، مجلس را باز بگذارید و از اینجا بروید (اردلان - صحیح است آقا، راهش را بفرمائید) ما به ترتیب میتوانیم این کار را بکنیم، که در ایام فترت يك بدبختی‌هایی برای مملکت حاصل نشود! یکی اینکه مجلس را تمدید بکنیم این مسئله را عرض کنم که آقا امروز عملی نیست، خدا شاهد است که اگر عملی بود از نظر قانون من مضایقت نمی‌کردم بجهت اینکه قانون را من برای مملکت میخواهم نه مملکت را برای قانون مشکلاتی دارد این مسئله که الان عملی نیست، اولاً از لحاظ سیاست بین‌المللی ناآیا از نظر افکار عمومی، ناآیا از نظر قانون که اگر شما آمدید و این مجلس را تمدید کردید آن دولتی که بخواهد يك کارهایی بکند به همین کار خلاف قانون در این مجلس را می‌بندد مثل اینکه بستند مجلس را، بر فرض هم که تمدید بکنیم هر دولتی که بیاید و این مجلس مخالف نظرش باشد در این مجلس را می‌بندد (لنکرانی - حق ندارد) این است که از این کار بایستی صرف نظر کنید حالا کار ندارم، اجازه بفرمائید مجلس را متشنج نکنید (لنکرانی - نمیتواند آقا، کی میتواند اینکار را بکند؟)

نایب رئیس - آقای لنکرانی صحبت فرمائید.

دکتر مصدق - استدعا میکنم آقا مجلس را متشنج نفرمائید (اردلان - بفرمائید آقا) قسمت دوم این بود که مذاکره کردند که در غیاب مجلس يك کمیسیون، يك عده ده نفری از خارج مجلس، يك عده هم از داخل مجلس انتخاب بشوند که بکارهای دولت نظارت بکنند، من از آقایان میپرسم این عملی است؟، کدام دولت است که تبعیت از رأی و اشخاص غیر مسؤول بکند؟ (فداکار - برخلاف قانون است) برخلاف قانون است و اصلاً عرض کردم که دولت هم این کار را

نی کند پس فقط برای اینکه در مجلس بسته نشود فقط يك راه موجود است و آن بقیه بنده انتخابات تهران است حالا کاری بنده ندارم، بنده عرضی ندارم. بیایید آنرا جلسات مجلس را ادامه بدهید. چرا بی خیال نشسته اید. شما سیزده روز دیگر بیشتر وقت ندارید، بیایید در مجلس سه ظهر، میگویند شما ظهر میآید، ظهر هم نیاید این سیزده روز هم میگذرد، این موقع هم که گذشت خدا میداند بشیمان میشود، بیایید آقایان جلسات خود را ادامه بدهید (صحیح است) جلسه خصوصی را تشکیل دهید، هر کلاهی سر مملکت میخواستید بگذارید این دوسه روزه بگذارید بنده نمیخواهم شما چیزی عرض کنم، شما نمایندگان مردم هستید بیایید بعد از خودتان يك کاری بکنید که مردم نگویند این نمایندگان گور بگور بشوند که بعد از خودشان هم نخواهند این جامعه رفاهیت داشته باشد حالا میخواهید قبول کنید، میخواهید قبول نکنید اگر خبر مملکت را میخواهید پیش از این समाچه نکنید، پیش از این تصور نکنید، پیش از این بی اعتنائی نسبت بانجام و ضایف خودتان نکنید (صحیح است)

در جلسه ۱۹۶ هجری قمری ۱۳۲۴

در جلسه شانزدهم اسفند که بودجه مجلس مطرح بود نماینده اول تهران پیشنهادی داد که بودجه از دستور خارج شود و بعنوان توضیح در باب پیشنهاد تقدیمی باز مطالبی در مورد فقرت بیان نمود که از مذاکرات مجلس شماره ۳۱۳ صفحه ۱۱۶۳ در اینجا نقل میشود:

نایب رئیس - آقای دکتر مصدق پیشنهاد فرموده اند که این لایحه بودجه از دستور خارج بشود، این پیشنهاد را بخوانید.

پور رضا - رای گرفته ایم در همین جلسه، برخلاف آئین نامه است.

نایب رئیس - آقا مطابق آئین نامه حق دارند.

اشمعی - پیشنهاد آقای دکتر مصدق «پیشنهاد میکنم که بودجه از دستور خارج

شود» تصویب شد.

امیر تیمور - بنده مخالفم

دکتر مصدق - توضیح دارم.

نایب رئیس - آقای دکتر مصدق

دکتر مصدق - فقط چهار روز با آخر دوره داریم، لایحه قانون تحریم انتخابات از مجلس گذشته و دولت هیچ راهی برای انتخابات ندارد بجهت اینکه شما مجلس را میگذارید و میروید و مملکت را دچار فقرت میکنید، نظر بنده اینست بجهت اینکه شاید تا فردا هم ما نتوانیم در این مجلس بیاییم مسکنت تا فردا هزار جور اتفاقات بیفتد، لایحه بودجه مجلس يك چیزی که حیاتی برای مملکت باشد نیست بجهت اینکه بر فرض اینکه بودجه مجلس راهم تصویب نکرید حقوق مستخدمین خواهد رسید همان اشخاصی که حقوق مستخدمین دیگر و بودجه مملکت را بعد از آن خواهند پرداخت حقوق مجلس راهم مجبورند بپردازند و بی چیزیکه امروز آقایان نمایندگان را ملزم میکند باین که فوریت بدهند و اهمیت بدهند بآن، اصلاح قانون انتخابات و الفای قانون تحریم انتخابات است، اینکار بنظر بنده اساسی است و استدعا میکنم آقایان اول تکلیف مملکت را معین کنید و اینکار را بهر کار مقدم بدارید، از این مجلس میروید و يك تنگی را برای دوره چهاردهم خواهید گذاشت، این مجلس راهب مردم ارزش ناراضی هستند و بی مردم بیشتر ناراضی خواهند شد از این مجلس وقتی این مجلس برود و تکلیف مملکت را

در دوره فترت معین نکنند این خطرش از هر چیز برای سلطنت بیشتر است ماده سال هم فترت دیده ایم ممکنست مملکت مادچار يك فترت های خیلی بزرگی شود، ممکن است در فترت يك کارهایی بکنند که بهیچوجه در صلاح سلطنت نباشد (صحیح است) بنده با آقایان عرض میکنم خدا را شاهد بگیرم که هیچ نظری ندارم و استدعا میکنم که آقایان اولی بهر کاری این مسئله تعیین تکلیف ایام فترت را ترجیح بدهید، بودجه مجلس چیست؟ مستخدم این بیانی چیست؟ طرح ساختمان چیست؟ اینها چیست؟ اینها وقتی است که يك مملکتی مطابق نظریات وطن پرستان باقی باشد (صحیح است) وقتی شامل سلطنت را بقدرت میاندازد وقتی که معلوم نیست که در فترت چه خواهد شد، چه بسا این مملکت میآید، بنده تصور نمیکنم که آقایان اینقدر توجه فرمائید با شعرا و من و بیانی بودجه مجلس را جلوسیندازد بخدای لایزال بنده بالاترین تکلیف برای خودم و برای آقایان اینرا میدانم که بهر کاری دست نزنیم تا تکلیف ایام فترت را معلوم نکنیم، حال امیل دارید میخواستند رأی بدهید میخواستند رأی ندهید بنده اینجا انجام وظیفه میکنم بنده اینجا باید عرض خودم را بکنم که فردا پهلوی موکابین خودم خجل و شرمندۀ نباشم البته گناه شما را بای من نخواهند نوشت.

نایب رئیس - رای میگیریم به پیشنهاد آقای دکتر مصدق راجع بخروج بودجه مجلس از دستور آقایانیکه موافقت قیام کنند (عده کمی برخاستند) - تصویب شد.

نظریه روزنامه کیهان

پس از رد پیشنهاد، نماینده اول تهران با کمال یاس از اوضاع نامفهوم مجلس گفت: «خاک بر سر این مجلس - خاک بر سر این مجلس» و از جلسه خارج شد.

روزنامه کیهان در شماره ۹۰۵ مورخ هجدهم اسفند ۱۳۲۴ در سرمقاله خود

تحت عنوان: «خاک بر سر این مجلس» درباره این موضوع چنین مینگارد:

«در جلسه روز پنج شنبه گذشته آقای دکتر مصدق از جای خود بلند شده در وسط سالن ایستاد و دو مرتبه گفت «خاک بر سر این مجلس» و از جلسه بیرون رفت. آقای امیر تیمور نیز گفت: «خاک بر سر آدم عوام فریب».

«آدم عوام فریب» در عرف اینها یعنی کسیکه دزدی نمیکند، اهل حقه بازی و پشت هم اندازی نیست، بر علیه مصالح جامعه اقدام نمیکند، در دستۀ دزدها و مرتجعین جایگاه مخصوصی ندارد، هر روز در این وزارت خانه و آن وزارت خانه برای کار گذرانی دیده نمیشود، از قند و قماش و توتون و سیگار و چای و بنر مردم بهره وافی نمیبرد و از آن بدتر اینکه در مقابل این اعمال سکوت هم نمیکند و بیوسته دزدها و قاچاقچی ها و بادهای سفارت خانه ها را مزاحم است.

اگر دکتر مصدق السلطنه مثل اغلب «سلطنه ها» و «دوله ها» دنبال منافع و مقام میرفت در نظر تمام این تیبی که امروز بگردن ملت سوارند مرد بزرگ و محترمی بشمار میرفت و یا اگر آدم معافظه کارتر سومی بود، نه خودش دزدی می کرد و نه بزردها کاری داشت، همه می گفتند: «آدم پاکدامن شریفی است، آقا است» ولی مصدق السلطنه شجاع، پاک، بیباک که مثل پاسبان بسیار بیدار و هوشیاری بیوسته مراقب است که به بیند در کجا منافع عمومی

مورد تجاوز ناپاکی است و بیکه‌فیه از کین گناه‌جسته باوحمله می‌کند و او را از گریبان گرفته بوسط جمعیت میکشد و او را رسوا میکند: «عوام فریب» است .

دو سه روز پیش که آقای دکتر مصدق آن نطق معروف خود را مبنی بر اعتراض بتوقف نیروی شوروی در ایران کرده، اینها برایش دست زدند و روسوفیل‌ها از این گونه کلمات برای او بیداری استعمال میکردند.

اینست که دکتر مصدق که گاهی تیپ مرتجع و دزد و عمال میاست انگلیس او را متهم میکنند و گاهی عناصر چپ تندرو و کارگردانان سیاست شوروی با او حمله میکنند برای اینکه دکتر مصدق حمایت نظریات و مصالح هیچک از دو طرف را نکرده، بلکه یک چیز را همواره پیشنهاد خاطر خود ساخته و آن استقلال مملکت و حفظ مصالح ملت ایران است.

ملت ایران اینرا میداند و بدین جهت موافقت و مخالفت دودسته کوچک در محبوسیت او نزد ملت هیچ تأثیری ندارد .

دبروز و دبریروز بود که دانشگاه یعنی مرکز علم و عقل و فکر این مملکت برای تأیید نظرد کتر مصدق تکان خورد و هر وقت گسترین اهانتی با او بشود این مرکز نور و دانش حاضر است که حق اهانت کننده را در کنارش بگذارد .

بعد از اینکه دکتر مصدق از جلسه خارج شد آقای دولت آبادی شرحی خشونت آمیز در گله از آقای دکتر مصدق بیان کرد و گفت « آقای دکتر مصدق همیشه برخلاف حق و انصاف حرف میزنند ! ایشان یکبار دیگر هم بمجلس توهین کرده و آنرا «دزد گناه» خطاب نمودند . این رویه ایشان کاملاً ناپسند است ایشان همیشه در تضعیف مجلس میگوشتند و برای تظاهر مطالبی میگویند ! اشخاصی که ادعای فهم دارند باید همیشه تسلیم منطق باشند »

آقای دولت آبادی ! یکی از منابعی که ریشه مشروطیت ایران را آبیاری کرده خانواده شما بوده است و بنا بر این محبت آن خانواده در قلب هر آزادیخواهی که از تاریخ مشروطیت ایران خبر داشته باشد هست . شما بقیین بدانید که آن روزی که پدر و عموی شما برای مشروطیت ایران ، برای روشن ساختن فکر ملت ایران ، برای تاسیس معارف و فرهنگ ایران مبارزه میکردند، مردم اینگونه حرف‌ها را که شما بد کتر مصدق زدید بایشان میزدند . خود شما بهتر میدانید که جد شما را برای همین حرفها تکفیر و آخوندهای جاهل و باکار مجبور کردند که روی منبر از فرقه‌می که بدان منویش داشته بودند تبری کنند . این مبارزه دنبال همان مبارزه است . هنوز جنگ مشروطیت و استبداد تمام نشده ، هنوز حکومت ایران مشروطه نیست . آن مستبدانی که مشروطه خواهان بر ضد ظلم و ستم ایشان قیام کردند هنوز بر سر کار و در مراکز قدرت خود باقی هستند ، فقط اسم خود را عوض کرده‌اند و الا یک قدم هم از جایی که بودند عقب ننشسته‌اند . این مشروطیت آلتی دردست آنها شده و چندین برابر نفوذ و قدرت ایشان را از قیام استبداد زیادتر کرده است . زیرا اول هر خان یا متنفذی بنفوذ در محل خود قانع بود . مشروطیت باوراء داد که چندو کیل بیارلمان بفرستد و از آنجا که دکتر مصدق لقب «دزد گناه» بوی داده در تمام مملکت اعمال نفوذ کند و دائره دزدی و ظلم و بیساکری خود را چندین برابر وسعت دهد. شما بدانان می‌آید که دکتر مصدق بچنین جانی «دزد گناه» بگوید ؛ شما میدانید که در این مدت تمام خواربار و قماش ملت ایران بین چنده نفر دزد تقسیم شده و آن دزدها در یک مملکت فقیری مثل ایران تروتن خورد و در کفتر انتوخنه‌اند و سدها هزار نفر از افراد ملت از گرسنگی مرده و بایکفتی زیر خاک رفته‌اند ؛ شما میدانید که این

دزدیهای بیشرمانه و این جنایت هائی که در تاریخ نظیر ندارد بدست و کلای مجلس، همان و کلای که شما در کنار ایشان قرار گرفته و با همکاری خود ایشانرا تقویت میکنید صورت گرفته است؟ آیایک چنین جائی «دزد گاه، قتلگاہ، جنایت گاه» نیست و اگر کسی بدان لقبی داد که متناسب با اندام وی بود گناهی کرده با تظاهری بخلاف واقع نموده است.

آقای دولت آبادی؛ مردم از شما توقع ندارند که بحمايت نمايندگان مستبدان و ستمگران و دزدان برخيزيد و بنمايند؛ حقيقي ملت حيله كنيد. دكتر مصدق هر چه ميگويد صدای ملت ايران است و باين جهت است كه مجلس را دزد گاه و خاك برس ميگويد و همان منتقدين كه دام قدرت ايشان بمرتايي مملكت پيچيده است دشنامهاي او را ميخورند و تحمل مي كنند براي اينكه خودشان ميدانند كه اين كلماتي كه از گلوي دكتر مصدق بيرون مي آيد صدای كيست و مقاومت با آن چه نتايج عملي و خيمي براي ايشان خواهد داشت.

فرض كنيد اين حرفها را شخصي غير از دكتر مصدق، مثلا يكي از آنهايي كه خودتان ايشانرا ميشناسيد مي زند، ميگذاشتند يك روز زندگي كند؟

- همان روز اول او را بجرم «توهين بمجلس مقدس» به نزد قائم مقام نهي فرستادند؛ فرمودند كه «اشخاصي كه ادعای فهم دارند بايد هميشه تسليم منطق باشند». شما خودتان اين فرمايش را قبول داريد؟ اگر قبول داريد بفرمائيد كه مجلس را دكتر مصدق ضعيف کرده است با آن و کلای کورپن باز قاچاق که طبيعت يك عينك مثل عينك اسب درشكه بچشم ايشان زده و غير از يك نقطه معيني كه عبارت از منظور هاي بست مادي خودشان باشد نهي بينند؟

آقای عزيز؛ مجلس مثل فلان خان لر، يارتيس فلان قبيله، راهزن شاهسون و تر كمن نيست كه قوت او بواسطه زور و قدرت باشد. قوت مجلس مثل قوت امام جمعه، فلان حجة الاسلام و پيشوای مذهبي بواسطه پاكي و درستي و امانت و فضيلت و حقوای خود اوست. تكيه يك پيشوای مذهبي بافكار عومي است. آيا ممكن است يك پيشوای مذهبي مثلا امام جماعت مسلمان نباشد و مردم هم بدانند كه مسلمان نيست و در مسجد مرتكب اعمال فسق و فجور گردد و مردم باو عقیده داشته باشند و از او در هنگام خطر حمايت كنند؟

مجلسي كه تحت تاثير عوامل فشار، پول، حقه بازي، سر نيزه داخلی و خسار جی انتخاب شود و بعد آنهمه كفايت كاری به كند ميخواهد احترام و اهميتي در قلوب داشته باشد؛ مقصودتان از اينكه دكتر مصدق مجلس را ضعيف کرده چيست؟ يعنی مردم خودشان از طرف انتخاب و کلای آن و كارهاي ايشان بعد از انتخاب خبر نداشتند و دكتر مصدق با ايشان گفت و با ممكن بود مجلس اينهمه كفايتكاري را بكنند و قوی بمانند؟

مجلسي كه جزو دولت نيست كه توه دولت اسباب قوت او گردد. مجلس هيچي است از طرف مردم براي نظارت در امر دولت و جلو گيري از تجاوزات او نسبت به مردم. مجلس از يك طرف مردم را آهنگه ميكند و حق و مال و نان آنها را ميخورد و از طرف ديگر با دولت آن معامله اي ميكند كه گربه باموش نيكند و ميخواهد قوی هم بماند؛ قوی بماند تا تكلی كی؟ دولت با ملت؟

پس اگر شما دنبال عوامل ضعف مجلس ميگرديد نظر خود را از دكتر مصدق به طرف آن و کلای برگردانيد كه دكتر مصدق با ايشان دزد ميگويد و خود شما هم مي دانيد كه دزد هستيد. اين بلایي كه امروز بر ما آمده و نميدانيم چگونه ممكن است از آن بيرون بيانيم بلایي است كه مجلس بر ما آورده است. و کلای نادروست مجلس اصلا فكر نهي.

کنند که دردنیاملت و مملکتی وجود دارد. هر کاری میکنند، هر تشریحی میآورند فقط برای منظور بستن و زشت خود ایشان است و بسکی از آن نقشا همین قانون تحریم انتخابات بوده. اینها پیش خودشان فکر کردند که با این قانون هم راه انتخاب و کلاسی که ممکن است فردا مزاحم ایشان شوند می بندند و هم بیانه می برای تمدید مجلس و دو سال دیگر و کالت می در دسر درست میکنند. اینها حساب اینکه ملتی هست و چنین اجازه می و با ایشان نخواهد داد نه میگردند و نه میکنند و نه خواهند کرد. اینها چون اغلب خودشان بدست انگلیس روی کار آمده اند چنین وانمود می کنند که هر کس با ایشان مخالفت کند طرفدار روس است. یا باید صد درصد دزدی ها و جنایات ایشان را تصدیق کرد و آفرین گفت والا آدم آلت سفارت اتحاد-حماهر شوروی است.

اما این که آدم هم ایرانی باشد و هم از دزدی و ظلم و ستم و فشار بدش بیاید ایشان نه باور می کنند و نه هم میل دارند که باور بکنند. اگر این رفقای شما راست میگویند و از قدرت میترسند چرا قانون تحریم انتخابات را لغو نمیکنند؟ و اگر معتقدند که با بودن نیروی یگانه نباید انتخابات بعمل آید چرا میخواهند مجلسی را که زور ارتش بیگانه انتخاب کرده تمدید کنند؟ جناب عالی که اهل منطق هستید مگر اجنبی امروز با اجنبی آنروز فرق دارد؟ نیروی یگانه امروز از آنروز پرزورتر است یا بیشتر دخالت خواهد کرد؟ امروز میگویند نیروی یگانه در بعضی نقاط کشور باقی میماند ولی هنگام انتخابات مجلس چهاردهم در تمام نقاط کشور بخش بودند. پس چرا باید مجلس چهاردهم که انتخاباتش همهجا تحت تاثیر خارجی بوده تمدید شود ولی مجلس دیگری که ممکن است قسمت کوچکی از انتخاباتش تحت تاثیر نیروی یگانه صورت گیرد نباشد؟

جز این است که این و کلا، و کلای دزد و قاچاقچی و کوبین باز میگویند فقط باید ما باشیم؟

آقای عزیزم! باین رفقای خود بگوئید هر چه نوحه بخوایند، هر چه بنام مملکت تنه من غریبم در بیاورید، هر چه وضع را هول انگیز و وحشتناک جلوه بدهید ملت ایران شما اجازه تمدید نخواهد داد. خیلی. دنبال راه نگریدید، راه را بنا درست کرده است، از همان دری که بناحق وارد مجلس شدید بحق بیرون بروید و اگر خیلی از قدرت میترسید قانون تحریم را لغو کنید و با طرح آقای دکتر مصدق را بپذیرید و چند روز دیگر از عمر مجلس را با مشاجرات بیهوده و فحش و دشنام تلف نسازید.

آقای امیر نیسور میگویند من آن روز بقانون تحریم انتخابات رأی دادم برای اینکه تصور کردم متعین شرافت امضای خود را نگه می دارند و روز دوم مارس بیرون میروند؛ اگر شما این عقیده را داشتید یک چنین عمل لغوی را چرا کردید؟ روز دوم مارس متعین آخرین سرباز خود را بیرون میبردند و روز سوم انتخابات شروع میشد و اول در جاهائی عمل میشد که قشون متعین نبودند، پس دیگر مقصود از این قانون چه بود؟ همسایه شمالی را بدگمان کردن و باو نشان دادن که مجلس ایران باشما سرخصومت دارد؟ تصور میکنید که، این وضع غیر واکنشی از آن حرکات جلف و سپیک بود؟ شما که زور ندارید، شما که نمی-توانید حقوق و حیثیت و استقلال مملکت خود را بادم شمشیر حفظ کنید چرا تظاهر با عملی می-کنید که واکنش های ناهنجاری داشته باشد؟

حالا گردید و گذشت چرا در صدد جبران بر نیایید؟ چرا وقت مجلس را بیهوده تلف میکنید؟ چرا فکری برای ایام ثمرت نمیکنید؟ آقای دولت آبادی! برفقای خود بگوئید که اگر خیال کرده‌اید در آخرین روز مجلس بایک قیام و قعود این مجلس تنگین را تعدید خواهید کرد اشتباه فرموده‌اید. این تکرخام را از سر خود بیرون کنید، ملت میداند که تمام تعطل شمادر اصلاح قانون انتخابات یا پذیرفتن طرح دکتر مصدق یا لغو قانون تحریم برای اینست که روز آخر بگوئید حالا وقت گذشته، مملکت راهم بدون مجلس نمیتوان گذاشت پس بیایید این دوره را تمدید کنیم. ولی اگر ملت ایران غیرتی دارد این وکلای خودخواه، کوتاه فکر، دست‌دراز این آرزور را بگور خواهند برد. این مجلس باید ببرد و هیچ جار نمی‌تواند، و کلا باید از آن دری که بنا ساخت بیرون بروند و از سحر سرت بفتاب بگردند. »

چون در مقاله مذکور در فوق آقای فرامرزی اشاره به بیانات آقای دولت آبادی نموده است لذا بمنظور تکمیل این فصل قسمتهای مؤثری از بیانات مزبور را از شماره ۳۱۳ صفحه ۱۱۲۵ مجله مذاکرات مجلس نقل مینمائیم :

دولت آبادی - عرض کنم بنده خطاری که دارم از نظر اهانتی است که آقای دکتر مصدق برخلاف حق و منطق باین مجلس میکنند - بنده در چند ماه پیش اینجا نبودم شنیدم ایشان ضمن مصیبتی شدن گفته بودند اینجا دزد بازار است، این بیاناتی که ایشان اینجا میکنند بقیده بنده خیال دور از انصاف و منطق است (صحیح است) کی دزدی کرده است چرا بنیاید اینجا بگویند؟ اینکه تظاهر میکنند باینکه ایشان مرد دوستی هستند و کسی هم متکر نیست، دلیل نیست که بدیگران اهانت کنند، بسیار قابل تأسف است، اشخاصیکه کارهای اجتهامی انجام میدهند، اشخاصیکه ست و کالتر دارند، اشخاصیکه خودشانرا ممتاز میدانند یکی از شرایطش این است که تسلیم منطق بشوند و قنیه مجلس بیک موضوعی رأی داد ایشان حق اعتراض ندارند.

دکتر رادمنش - شما که دیروز برای ایشان دست میزدید ۱) (خنده حضار)



بحث در باره بعضی :

مسائل مالی و اقتصادی کشور

در اینکه، ورود قوای متفقین در شهر یورماه ۱۳۲۰ بایران و اقامت طولانی آنان در سراسر کشور موجب اختلال و آشفتگی های زیادی در کلیه امور مملکت مخصوصاً در امور مالی و اقتصادی ایران شد شبهه و تردید نیست ولی اگر ماریشه حوادث و قضایا را مورد دقت و موشکافی قرار دهیم باینجا میرسیم که بی ایمانی رجال و زمامداران اخیر ما و عدم مقاومت آنان در مقابل تمایلات بیگانگان نیز در حصول این اختلال و آشفتگی تأثیر بسزا داشته است.

برای اثبات این موضوع شواهد زیادی موجود است در اینجا چون بحث ما روی مسائل مالی است تذکار این مطلب بی مورد نیست :

در جریان جنگ بین المللی اول مقامات متفقین (روسیه تزاری و انگلیس) از بانک شاهنشاهی ایران که در آن موقع بانک ناشر اسکناس کشور ما بود برای هزینه ارتش خود در ایران تقاضای وجه نمودند، بانک مزبور با اینکه يك شرکت انگلیسی است از قبول تقاضای مقامات مزبور خود داری کرد تا اینکه پس از يك سلسله مذاکرات قرار شد که بانک بحساب متفقین نقره وارد و در ضرابخانه تهران ضرب و در اختیار آنها بگذارد تا نیاز پولی آنها تا اندازه ای مرتفع شود ، اما بهر حال ندادن اسکناس بمتفقین و مقاومت رجال با ایمان و با تقوی سابق کشور سبب شد متفقین از يك طرف ببانك شاهنشاهی نقره بدهند و در مقابل مسكوك ایران دریافت دارند و از طرف دیگر قسمتی از احتیاجات خود را با ارز خارجی (پره و منات طلا) مرتفع کنند و پول ایران ترقی کند بطوریکه با کمترین قیمت هر قسم کالای خارجی وارد مملکت میشد

ولی در جنگ دوم بین‌المللی که رجال با ایمان و عقیده سابق نبودند و در مجلس شورای ملی هم نمایندگانی از ملت نبود که از حقوق مردم و جامعه دفاع کنند دو ائین اتحاد شوروی و انگلیس موفق شدند که با دولت ایران پیمانی منعقد و در آن تحت لفافه اشاره بقرارداد مالی کنند و سهیلی وزیر خارجه وقت در پنجم خرداد ۱۳۲۱ آن قرار داد را امضاء کند و کسی نگوید اگر مقصود قشون کشی و استفاده از وضع جغرافیائی ایران است، چرا دولت ما تمهید شود که برای مخارج متفقین در این کشور اسکناس منتشر کند و جامعه را گرفتار وضعیت فلاکت باری کند که امروز هم هنوز از آن وضعیت فارغ نشده ایم... معروف است که از نمایندگان دوره سیزدهم دو نفر یعنی آقای دکتر اهری و آقای دکتر جوان بواسطه مخالفت با پیمان و قرارداد مالی از نمایندگی استعفاء نمودند و باید سؤال نمود که يك چنین احساساتی چه نتیجه داد؟ نتیجه این بود که در انتخابات دوره چهارده از آقای دکتر جوان مردم حق شناسی نکند و ایشان به مجلس نروند و آقای دکتر اهری هم که یگانه ناهزد مردم در ارسباران بود بواسطه تلگراف رمز شماره ۱۷۴۹ سهیلی نخست وزیر با آقای عضدی مأمور انتخابات آذربایجان (متن کامل این تلگراف و تلگرافات دیگر سهیلی راجع بدخالت در انتخابات آن دوره در فصل اعلام جرم بر علیه تدبیر و سهیلی در صفحه ۳۰۰ جلد اول این کتاب مندرج است) از ارسباران انتخاب نشوند و بعد دیوان کشور با وجود دخالتهای صریح و فجیع نامبردگان آنها را تیرته نماید!!

از مقدمه بگنزم و داخل در موضوع شویم :

دکتر مشرف نقیسی وزیر دارائی کابینه فروغی نرخ لیره را عملاً از هشتاد ریال به صدوسی و پنج ریال رسانید و مجلس سیزده به ملت ترحم نمود و بلك نومان تخفیف داد و در ماده ششم قرارداد مالی آنها به صدوسی ریال تثبیت کرد و در مقابل قرار شد پولی که متفقین از بانک ملی میگیرند صدی شصت آنرا طلا و ۴۰٪ آنرا ارز بحساب دولت ایران بگذارند و چنانچه قیمت ترقی و یا تنزل کند بهمان تناسب بمبلغ ارز موجودی دولت ایران افزوده شود .

در تاریخ نهم ژوئن ۱۹۴۵ (نوزدهم خرداد ماه ۱۳۲۴) قیمت هر انس طلا از

۱۶۸ شلینگ، ۱۷۲ شلینگ ترقی کرد و میبایست مبلغ پانصد هزار لیره برارز موجود دولت در لندن افزوده شود ولی بواسطه بی‌ایمانی رجال دولت و عدم تعقیب موضوع مدت هشت ماه یعنی از نوزدهم خرداد تا بیست و چهارم بهمن اینکار عملی نشد لذا در جلسه ۲۴ بهمن ۱۳۲۴ مجلس شورای ملی دکتر مصدق از آقای قوام نخست وزیر که تا آن وقت دولت ایشان بجهاتی که در فصول سابق تذکار دادیم بمجلس معرفی نشده بود استوایی نمود که از مجله مذاکرات مجلس شماره ۲۹۴ صفحه ۱۰۶۰ نقل میشود:

... چون بموجب مندرجات روزنامه «دلی تیوز» نرخ رسمی خرید طلا در لندن در روز نهم ژوئن ۱۹۴۵ از ۱۶۸ شلینگ به ۱۷۲ شلینگ و ۲۳ پنس ترقی کرده بنا بر این قیمت لیره بهمان نسبت تنزل کرده است و نظر باینکه طبق ماده ۸ قرارداد مالی ایران و انگلیس: «در صورت وقوع هر گونه تغییری در بهای رسمی زر، در لندن موجودیهای لیره بحساب بشانکار دولت شاهنشاهی ایران در آخر ختم معامله روز قبل از تغییر تعیین و تشخیص داده خواهد شد و مجموع موازنه‌ای که بدین طریق بدست میآید بر اساس نرخ رسمی جدید زور زیاد و کم خواهد شد» و نظر باینکه بر طبق حسابی که این جانب از موجودی لیره ایران در خرداد ۱۳۲۴ نموده‌ام از بابت این تنزل باید حدود پانصد هزار لیره بر موجودی کشور افزوده شده باشند و معلوم نیست که کارمندان دولت چرا از انجام وظیفه خودداری کرده‌اند از جناب آقای نخست وزیر سؤال میکنم اشخاصی که مسئول اجرای ماده ۸ قرارداد مالی هستند بمجلس شورای ملی معرفی کنند و اگر بجهاتی از انجام وظیفه بازمانده‌اند آن‌جهات را اظهار نمایند...»

پس از این سؤال چون مسافرت آقای قوام بمسکو از حد معارف گذشت برای اینکه حق دولت از میان نرود و کسانی ^{باز هم} بر سرش دکتر مصدق که تا آن وقت از انجام وظیفه خودداری کرده اند بجامعه معرفی شوند سؤال دیگری در جلسه هشتم اسفندماه ۱۳۲۴ از وزیر دارائی (آقای سهام - السلطان بیات) نمود که از مذاکرات مجلس شماره ۳۰۵ صفحه ۱۰۹۸ نقل میشود:

دکتر مصدق - بند چند سؤال از آقای وزیر دارائی دارم اینها هم چون فوریت دارد باید عرض کنم:

اول راجع بشوالی است که از آقای نخست وزیر نموده‌ام و آن درباره ارز ایران در لندن اینست که بر طبق ماده هشت قرارداد مالی ایران و انگلیس بواسطه ترقی طلا میبایست در خرداد ۱۳۲۴ بارز موجود ایران افزوده - شده باشد و از این کار خودداری شده چون آقای وزیر دارائی مسئول خسارات دولتند و موقع میگردد از ایشان تنبی میکنم که جلسه آتی جوابی که مطابق سؤال باشد بعرض مجلس برسانند مقصود این است که تعیین بفرمایند سؤال این کار کی بوده و تا حال چرا این پانصد هزار لیره بارز ایران افزوده نشده، بنده مسئولش را میخواهم، بنده اینقدر معتقد نیول نیستم که معتقد بمسئولیت وزراء و اشخاصی هستم که برخلاف وظیفه رفتار میکنند این را در جلسه آتی تعیین بفرمایند که تا حالا این پانصد هزار لیره بارز ایران افزوده نشده است؟ مسئول این

کار را بمجلس معرفی کنند، ده روز دیگر این بیان خاتمه پیدا میکند آنوقت بنده بنده نام که وضعیت شما راجع باین بانصد هزار لیره چه خواهد شد؟

سؤال دوم از آقای وزیر دارائی راجع بخری است که در شماره ۱۱۴۳

راجع به تورم اسکناس روزنامه «مهر ایران» مورخ ۳۰ بهمن منتشر شده، خیر مزبور این است: «در ۱۵ روزه اول بهمن مبلغ صد میلیون ریال اسکناس بیش از ۱۵ روزه آخری از طرف بانک بگردش گذاشته شده که این مازاد صرف خرید دلار گردیده است» - همه میداند یکی از جهات گرانی نرخ زندگی انتشار زیاد اسکناس است که هر قدر حجم اسکناس زیاد شود قوه خرید پول کم میشود و بالتسبیح نرخ زندگی ترقی میکند.

امروز بواسطه نبودن جنک و رکود معاملات ما باید تا ممکن است از حجم اسکناس کم کنیم نه اینکه باز بر حجم اسکناس بیفزاییم و نرخ زندگی را که جامعه منتظر است تنزل کند ترقی دهیم بانک ملی از دولت طلبکار و با افراد مقروض است باید از دولت بگیرد و با افراد بدهد چه شده است که دولت باین پول نداد و او را مجبور کرده است که صد میلیون ریال اسکناس جدید بگیرد و منتشر کند؟...



سؤال بالا را تا تاریخ بیست و یکم اسفند ۲۴ که دوره چهارده تقنینیه خاتمه یافت وزیر دارائی نتوانست جواب بدهد ولی طبق اطلاعاتی که ما داریم تفاوت ارزی که از ترقی طلا حاصل شده بود بحساب بستن کار دولت رفت و از غفلت اولیای امور ضروری متوجه خزانه کشور نشد.

در مورد کرایه راه آهن

راجع بکرایه راه آهن که متفقین از بابت حمل مهمات جنگی میبایست بدولت شاهنشاهی ایران بپردازند و بحساب دکترا مصدق ۷۲۰ میلیون تومان است در همان جلسه نماینده اول تهران از وزیر راه (آقای سرلشکر فیروز) سؤال نمود که از مذاکرات مجلس شماره ۳۰۵ صفحه ۱۰۹۸ نقل می شود:

«... از آقای وزیر راه سؤال میکنم که از بابت طلب دولت راجع برام آهن از متفقین در کابینه قبل که خود ایشان وزیر بودند چه اقدامی نموده اند و در این دولت چه نظر دارند بکنند؟...»



تخلیه ایران از قوای متفقین

از مسائل مهمی که مجلس چهاردهم با آن مواجه شده بود موضوع اقامت قوای متفقین در سراسر کشور و خارج نشدن قوای شوروی در موعد معتر در پیمان سه جانبه بود.

در اوایل اسفند ۱۳۲۴ هنگامی که آقای قوام السلطنه نخست

وزیر ایران برای گفتگو و ایجاد حسن تفاهم در روابط ایران

و شوروی بمسکو رفته بود خبر گزارى شوروی درباره تخلیه ایران

اعلامیه
خبرگزاری شوروی

از نیروی شوروی اعلامیه‌ای بشرح زیر منتشر نمود :

«روز ۲۵ فوریه ضمن محاسبه با آقای قوام السلطنه نخست وزیر ایران تصمیم

دولت شوروی بایشان ابلاغ گردید دائر باینکه از روز دوم مارس تخلیه قسمتی از نیروی

شوروی از نواحی ایران چون مشهد، شاهرود و سمنان واقع در خاور ایران که در آنجا

آرامش نسبی برقرار است آغاز میشود اما نیروی شوروی در سایر نواحی ایران تاروشن

شدن اوضاع باقی خواهند ماند».

انتشار اعلامیه بالا در محافل ایران انعکاس غریبی بخشید و هر

فرد این مملکت را دچار نگرانی و تشویش نمود زیرا بموجب

فصل پنجم پیمان سه جانبه فیما بین ایران و انگلیس و اتحاد

جمهیر شوروی مصوب ششم بهمن ماه ۳۲۰ عقرور شده بود پس از متار که جنگ دول

متحده در مدتی که زیاده از ششماه نباشد قوای خود را از خاک ایران بیرون ببرند^(۱) ولی

اعلامیه خبر گزارى شوروی که ناشر افکار دولت شوروی بود حکایت میکرد که دولت

والش
اعلامیه در ایران

(۱) فصل پنجم پیمان سه جانبه از این فرار است :

«پس از آنکه کلیه مفاصحه مابین دول متحده با دولت آلمان و شرکاء او بموجب یک

یا چند قرار داد متار که جنگ متوقف شد دول متحده در مدتی که زیاده از ششماه نباشد

قوای خود را از خاک ایران بیرون خواهند برد»

مزبور از تعهد قطعی خود نسبت به تخلیه ایران عدول کرده و بجای اینکه در دوم مارس ۱۹۴۵ تمام خاک ایران را از قوای خود تخلیه کند میخواست تخلیه را از دوم مارس ۱۹۴۵ آغاز نماید آنهم نسبت به قسمتی از خاک ایران.

جهات نگرانی عامه
 اعلامیه مزبور مخصوصاً بجهاتی که در ذیل شرح داده میشود
 بر نگرانی مردم افزود:

از اعلامیه مزبور (۱) - عبارت کشدار و مبهم «تاروشن شدن اوضاع» که معلوم نبود تا چه مدت قوای شوروی در ایران بمانند و مردم این کشور که در چهار سال اخیر زیر بار تحمیلات و دشواریهای طاقت فرسای جنگ و اقامت نیروی بیگانه نیمه جان شده بودند بکلی از پا درآیند.

(۲) - اقامت نیروی بیگانه تا دوم مارس طبق پیمان و تعهداتی بود که دولت ایران خواهی نخواهی بگردن گرفته و مجبور یا بقای آن بود در صورتی که توقف قوای خارجی بعد از انقضای مدت پیمان بمنزله نقض حاکمیت و تمامیت کشور شمرده میشود.

(۳) - تأمین امنیت در سرانگیز کشور و سر و سامان دادن بزندگی آشفته مردم که ناشی از مصائب چهار ساله جنگ بود با وجود نیروی بیگانه میسر نبود و این اعلامیه نشان میداد که امنیت داخلی که بستگی کامل بحیات و موجودیت مادامت تأمین نیست و امیدوارزوی مردم در این مورد نقش بر آب است.

(۴) - عدم تخلیه خاک ایران بطرفداران دوره ۲۰ ساله و بیکنانوری و مدافعین سیاست - جنوبی بهانه میداد که مردم را بر علیه دوستی ایران و شوروی که برای نوازن سیاست بین‌المللی ضروریست تحریک کنند و با نتیجه موجب محبوبیت و نفوذ همسایه دیگر شود مخصوصاً که در همین اران سیاستمداران جنوبی در نطقهای رسمی خود به تخلیه ایران اظهار علاقه نام مینمودند^(۱) و همین امر وسیله‌ای شده بود که جراید وابسته بآنها

(۱) بولین وزیر امور خارجه انگلستان در مجلس عوام انگلیس چنین گفت:

«بطوریکه نمایندگان مجلس بخوبی استحضار دارند موضوع ایران در انجمن پوتسدام مورد بحث واقع شده و مقرر گردید سر بازان متفقین هر چه زودتر تهران را تخلیه نمایند. حکومت اعلیحضرت پادشاه انگلستان معتقد است که چون دولت ایران موافقت نمود که بدو نین انگلیس و شوروی اجازه بدهد از خاک کشور مزبور بمنظور شکست دادن بدشمن استفاده کنند پس از انجام منظور نامبرده دولتین مزبور باید سر بازان خود را از آن کشور بیرون ببرند.»

تبدیلات شدیدی بر علیه همسایه شمالی ما بنمایند .

۵) - بقای قوای خارجی در مجلس این اثر را نیز داشت که طرفداران تعدیل مجلس را در عقیده خود تأیید و زمینه این فکر را بین نمایندگان تقویت کند و تعدیل مجلس اگر قانون هم اجازه میداد می اندازد نتایج و اثرات نامطلوب داشت .

ه تنها دولتی شوروی و انگلستان بلکه نیرو های دولت امریکا از تسهیلاتی که دولت ایران فراهم آورده بود استفاده کامل کرده اند و این تسهیلات ارزش فوق العاده ای از لحاظ ایجاد ارتباط با روسیه بخصوص در روز های بحرانی جنگ داشته است .

بنابر این مقدمات چون امروز منظور هائی که برای انجام آن دولت ایران تسهیلات مزبور را فراهم کرده بود پایان یافته است تاجائی که حکومت اعلی حضرت پادشاه انگلستان دخیل است بهیچوجه سیاست عمالین نیست که از وسایل و تسهیلات ما بهره جز برای منظور اصلی که عبارت از ادامه جنگ بر ضد دشمن بوده استفاده دیگری ننماییم . بقیده من متعین مانیز غیر از این نظر و سیاست دیگری ندارند برای من اسباب تعجب زیاد خواهد شد که با وجود صمیمیتی که در فراهم ساختن این تسهیلات ذیقبت برای ما از طرف بنگ کشور دیگر نشان داده شده است حالا که کار پایان یافته همین تسهیلات مانعی برای بیرون بردن سربازان ما ایجاد نماید .



مستر ایوان

مستریان وزیر امور خارجه سابق انگلستان نیز بعد از نقل برین در مجلس عوام مطالب ذیل را بیان کرد :

... در ۱۹۴۱ در نتیجه حمله بزرگ آلمانیها کشور ایران بناگهان موقعیت سوق الجیشی بسیار مهمی پیدا کرد، این کشور در سر راه خطوط ارتباطی ما بود با ستونهای راه اقیانوس منجمد شمالی که داستان کامل آن و شرح شجاعت و دلیری نیروی دریائی منطنی و کشتی رانی ما ز رگانی هنوز افشاء نگردیده راه ایران نهزاهمی بود که بروی ما باز بود، دولتی انگلبر و شوروی با دولت ایران بیامنی منعقد ساخته که بیوجب آن با اجازه داده شد که در طی دوره جنگ سربازان خود را در کشور ایران نگاهداشته و از تسهیلات متعدد دیگری نیز برخوردار باشیم در مقابل این نیز متعهد شدیم که تمامیت ارضی ایران را محترم شمرده و بعضی خاتمه جنگ لشگریان خود را بیرون ببریم - کشور ایران نهضات خود را نسبت با و حکومت شوروی با کمال وفاداری انجام داده است و بنا بر این مدتی است که من در این فکر بودم که مانیز باید تعهدات مربوط خود را انجام دهیم اگرچه در واقع ما تا هنگام پایان فطعی جنگ اجباری در امر تغلب ایران نداشتیم معینا حتی در کنفرانس کریمه نیز دولت محترم من و خودم متوجه شدیم که این امر باید آغاز شود و موافقت حاصل شد که نخستین مرحله تغلب ایران هم از طرف ما و هم از طرف دولت شوروی در تهران شروع گردد بلاوه موافقت شده است که موضوع مراحل بعدی تغلب در کنفرانس وزیران امور خارجه که ماه آینده تشکیل میشود مورد بحث قرار گیرد - من بطور قطع تصور میکنم که بحث در این موضوع بسیار بجا خواهد بود زیرا جنگ -
- بقیه پاورقی در ذیل صفحه مقابل -

نطق تاریخی نماینده اول تهران
در باره تخلیه ایران از قوای بیگانه

بهر حال چون اعلامیه خیر گزاری شوروی هنگام توقف رئیس دولت و میسیون اعزامی ایران در مسکو صادر شده بود مردم نگران بودند از اینکه در رئیس دولت مذاکرات و تعهداتی برخلاف پیمان بکنند لذا نماینده اول تهران نطق تاریخی خود را که در حقیقت انعکاس منویات ملت ضعیف و صلح جوی ایران بود در جلسه یکشنبه ۱۲ اسفند ماه ۱۳۲۴ ایراد و در طی آن از یکطرف با اعلامیه دولت شوروی پاسخ دندان شکنی داد و از طرف دیگر تکلیف نخست وزیر و هیئت دولت را در اجرای پیمان و مذاکرات مسکو معین نمود اینک متن نطق مزبور را از مذاکرات مجلس شماره ۳۰۹ صفحه ۱۱۱۳ نقل مینمائیم :

رئیس - آقای دکتر مصدق اظهاراتی داشتند .

اردلان - آقای رئیس در جلسه قبل اعلام رأی شده بود .

مهندس فریور - هنوز وارد دستور نشده ایم .

بعضی از نمایندگان - آقای دکتر مصدق بفرمائید .

رئیس - آقای دکتر مصدق .

دکتر مصدق - بنده راجع بدو موضوع عمر ایضی دارم یکی راجع به جناسات مجلس شورای ملی است، تقریباً هشت یا نه روز دیگر بیشتر با آخر دوره نمانده است و با این ترتیبی که ما داریم کار میکنیم هیچ کاری صورت نمیگیرد (صحیح است) زیرا بودجه مجلس هست، بودجه مملکتی هست، گزارش کارمندان پیمانی هست، اصلاح قانون انتخابات هست (صحیح است) (حشمتی - رأی اعتماد هم هست) (یکی از نمایندگان - مالیات بردرآمد هم هست) بنده تصور میکنم که اگر جناب آقای رئیس بخواهند همینطور مجلس کار بکنند بنده باید عرض کنم که حقیقتاً باید ما بوس باشیم - در صدر مشروطیت نمایندگان، نه حقوق داشته و نه در مجلس که بودند غذا باناها فراموش میشد، حالا ما هم حقوق میگیریم و هم روزهایی که در مجلس هستیم ناهار میخوریم و آنوقت هم از کارهای مجلس خودداری میکنیم (صحیح است) و من عقیده ام این است که جلسه مجلس باید از صبح تا عصر تا شب تا هر موقعی که شد تشکیل بشود (صحیح است) تا یک قدری کارهای شرفت بکنند والا حقیقتاً طوری خواهد شد که ما از مجلس خواهیم

باز این پایان یافته و برای هیچیک از ما غلظتی برای ماندن در ایران وجود ندارد و مسلماً در انگلستان همه ما بلند که ما هر چه زودتر از آنجا بیرون بیائیم - مادر ایران فقط یک عسلاقه داریم و آن این است که کشور مزبور را سعادت مند و متحد قوی به پیشیم و چیزی که اصلاد را این کشور نمیخواهیم باز گشت اصل ایجاد مناطق نفوذ و مسائلی از آن قبیل است که تا مدت - مدیدی پیش از این در ایران وجود داشته و برای یک نسل باعث عدم محبوبیت کامل مادر میان ایرانیان گردیده است.

امیدواریم که سیاست تخلیه از طرف متفقین اجرا و هر چه زودتر عملی گردد (نقل از

شماره ۴۵ روزنامه روستا بجای رعد امروز مورخ ۴ شهریور ماه ۱۳۲۴)

رفت و نزد مردم کاملاً شرمنده و خجل هستیم، این است که بنده مخصوصاً از مقام ریاست خواهش میکنم و از آقایان تمنی میکنم که مجلس صبح و عصر تشکیل بشود و ناهار هم تهیه شود، این چند روز اگر ضروری بمجلس هم می خورد هیچ اهمیت ندارد و مامی نشینیم و کارهای بهتر و مهمتری میکنیم (صحیح است) :

رئیس - فرمایشات آقای دکتر مصدق صحیح است و موقع بسیار تنگ است آقایان حاضر بشوند مگر در هم اینجا از طرف هیئت رئیسه عرض شده و هیچ اشکالی ندارد که مجلس هر روز صبح و عصر تشکیل بشود. (دکتر مصدق - ناهار را بفرمائید) آنهم مانعی نیست و بنده همه روز یادآوری میکنم.

دکتر مصدق - راجع بخبری که رادیوی مسکومنتشر کرد بنده عریضی دارم (نمایندگان - بفرمائید، بفرمائید)

آقایان محترم: اجازه می خواهم امروز توجه همکاران خود را بیک مسئله معطوف نمایم که برای مقدرات آینده ما، برای استقلال و تمامیت ما و برای موجودیت ما کمال اهمیت را دارد (صحیح است) و خدا را شاهد میگیرم که در بیانات امروزی جز ایفاء وظیفه نمایندگی جز احترام بانفکار عمومی، و جز نگرانی از آینده کشور محرم کی ندارم (صحیح است) از عمر مجلس چند روز بیشتر باقی نمانده و ما متأسفانه مواجه با جریانات خلاف انتظاری هستیم که اگر سکوت بکنیم شاید فرصت فوت شود و آبنندگان سکوت ما را بزرگترین خیانتها محسوب بدارند (صحیح است) حاجت بتذکار نیست که ملت ایران از شهر یوز ۱۳۲۰ قریب چهار سال دچار بزرگترین مصائب گردیده (صحیح است) و انواع دشواریها و محرومیتها و قربانیها را بخاطر عملیات جنگی متفقین بزرگ خود تحمل نموده است (صحیح است) ما باینکه يك ملت ضعیف و صلح جو هستیم و نفع مستقیمی در جنگ نداشتیم فقط و فقط بملاحظه اینکه وضعیت جغرافیائی ما اجاب میکرد که در مقدرات همسایگان بزرگ خود شریک و علاقمند باشیم و به پیروزی آنها کمک کنیم تمام وسایل حیاتی خود را در اختیار آنها گذاشتیم، در زیر بار مفاسد قهری ارتش بیگانه رفتیم (صحیح است) بیسانی را که برای بنده ضعیف ما کمر شکن بود قبول ترسیم (صحیح است) و در عمل تمام تمهیدات خود را مافوق قوه خود اجرا کردیم (صحیح است) و از مزایای اقتصادی آن به ما ذیر جنگی محروم ماندیم (صحیح است) و در طی تمام این شدا بد يك امید دلخوش بودیم و آن این بود که در بازود جنگ تمام میشود و پس از آن همسایگان بزرگ ما این فداکاریهای ما را فراموش نخواهند کرد و اگر پاداشی بها ندهند لااقل بیاس این سابقه ما را عزیز و محترم خواهند شمرد (صحیح است) و مجال خواهند داد که در روزگار صلح ما هم با فراغت بال بر جراحات خود مرهمی بگذاریم و بزندگانی آشفته خود سر و سامانی بدهیم و آسایشی را که ملل ضعیف و صلح جو مستحقان دارند برای خود فراهم سازیم و اگر در حصول این مقاصد مشروع برای ما گرفتاری پیش آید در دفع آن با ما کمک خواهند کرد.

مادر این امیدواری راه خطا و مبالغه نه پیموده بودیم زیرا متفقین ماهیسه رسماً و علناً اعلام میکردند که مرعیه بیدادگری و برای حفظ ملل از تجاوز کاران میبجنگند و در منشور آتلانتیک جزو ایدآلهای مقدس آینده بشراطیسان داده بودند که پس از برانداختن ظلم و جور تازی صلحی که بتواند وسائل زندگی و امنیت داخلی تمام ملل را تأمین نماید برقرار خواهد شد و هر کس در هر کشور خواهد توانست فارغ از ترس زندگی نماید و تمهد نموده بودند که تمام ملل دنیا خواه بملل مادی و خواه معنوی باید از استعمال ترور

دست بردارند - رعایت اصول مقدس این منشور را همسایگان ما یکبار در صدر میمان اتحاد سه جانبه و بار دیگر موقعی که ما رسماً وارد جنگ شدیم. در ضمن الحاق با اعلامیه ملل متحد با صریحاً وعده کرده اند.

اکنون شش ماه تمام است که جنگ جهانیگیر رسماً پایان یافته و موقع اجرای این مواعید فرا رسیده است. بمانند توقع نداشتیم که فوراً پس از خاتمه جنگ دنیا بهشت برین شود زیرا میدانیم که بر اثر خرابیها و اختلالی که از جنگ حاصل شده يك دوره برزخی ناگواری را باید گذرانند تا تدریجاً ملل عالم موفق به برقراری اوضاع و معالجه دردهای خود شوند اما حتماً انتظار داشتیم و داریم که لااقل از لحاظ سیاسی احترام تمامیت و حاکمیت استقلال ما را عملاً رعایت نمایند (صحیح است) و بکلیه اوضاعی که از لوازم عملیات جنگی بود و حاکمیت ما را تحدید میکرد بلاد رنگ خاتمه دهند (صحیح است) متأسفانه برخلاف انتظار اکنون بیش از شش ماه از خاتمه جنگ میگذرد نه فقط خاک کشور ما هنوز از نیروی بیگانه تخلیه نشده است بلکه نغمه هائی برای ما ساز کرده اند که موجودیت و تمامیت همه چیز آینده ما را هم تحدید میکند و برای ما اوضاع ناگواری پیش آمده است که ما را بطرف تجزیه و جنگهای داخلی و برادر کشی سوق نمیدهد (صحیح است) برای ما کمیون نظارت خواب می بینند یعنی بجای احترام استقلال و تمامیت و وحدت مائتبه قیومیت و تفرقه ما را میکشند (صحیح است) میهمانان گرامی ما بجای اینکه از صاحبخانه با اظهار امتنان خدا حافظی کنند و باومجالی بدهند از خستگی میهمان نوازی طولانی بیاساید پی در پی انجمن میکنند و مقررات بارها از انجمن پوئسدام با انجمن لندن و از انجمن لندن با انجمن مسکو و از آنجا میمانند که بکدام انجمن حواله مینمایند، این انجمنها تنها نخواهند داشت و مادیر طاققت تکرار آنها را نداریم (صحیح است) تازه برای قانون اساسی ما تمهید خوار می کنند و اظهار تأسف مینمایند که اگر قانون اساسی مادر قسمت انجمنهای ایالتی و ولایتی اجرا شده بود ایران بشکل يك کشور متحد در آمده بود، تازه برای ما دارند موضوع زبان و اقلیت را پیش میکشند؟ (۱) مگر فرانسه و بلژیک مطابق قانون اساسی شان انجمن ایالتی و ولایتی ندارند

(۱) چون در این نطق به بیانات مستربوین وزیر خارجه انگلستان اشاره شده لذا قسمتی از نطق ایشان را که در ۲۱ فوریه ۱۹۴۵ در مجلس عامه ایراد و مورد انتقاد بسیاری از جراید ایران واقع شد از شماره ۲۱۹۳ روزنامه سناره مورخ دهم اسفند ماه ۱۳۲۴ نقل مینماییم:

«...حالا اجازه می خواهم راجع بایران صحبت بدارم - در این مجلس از من سؤال کردند که آیا منافع انگلستان را حفظ خواهم کرد یا نه؟...»

در پاسخ اظهار داشتیم که من در هر نقطه ای باشم حافظ منافع بریتانیا هستیم - اما مسئله ایران را من بعنوان رقابتی بین روسیه و خودمان تلقی نمیکنم و سعی من بر آن بوده است که از چنین کاری جلوگیری کنم - من اذعان دارم که کیفیت نهضت آذربایجان فکر مرا مشغول داشت.

اگر اظهار من ایجاد سوء تفاهمی نکند میخواهم بگویم که این نهضت در ۱۹۰۵ تقریباً در نتیجه اوضاعی که خیلی شبیه اوضاع فعلی بود شروع شد و با آنکه من نسبت به جریان فعلی - و عقلی نداشتیم در این فکر بودم که بدانم کیفیت امر از چه قرار است بخصوص که نمایندگان مطبوعات و اشخاص دیگر را اجازه رفتن بآن سامان نمیدادند.

بنظر من در نتیجه چیزی در پرده اختفا بنانه ناچار تلقی در ایجاد تردید و سوء ظن ایفاء میکند

- بقیه در پاورقی صفحه بعد -

آیا هرگز این دو کشور را کسی کشور متحده خوانده است ؟ (صحیح است) مگر در این دو کشور بزبانهای محلی از قبیل زبان فلامان و زبان فرانسه و یازبان برتن و کاسگون و غیره تکلم نمیشود آیا هرگز کسی بعنوان این زبانها برای این دو کشور موضوع اقلیت مطرح کرده است ؟ (صحیح است) (ابتداً) تازه بعد از بحث و چانه زدن که آباشش ماه بعد از شکست آلمان یا ژاپن خاک ایران باید تخلیه شود و تسلیم دولت ما بشق دوم و اخطار آن چند ماه قبل بوسیله یادداشت وزارت خارجه ما به دولت متفق که در تاریخ دویم مارس خاک ایران باید از کلیه قوای بیگانه تخلیه شده باشد، خبر گذاری شوروی ابلاغیه ای منتشر میکند که قرائت آن هر ایرانی را دچار شگفت و نگرانی مینماید ؛ (صحیح است) این ابلاغیه میگوید: «روز ۲۵ فوریه ضمن مصاحبه با آقای قوام السلطنه نخست وزیر ایران تصمیم دولت شوروی بایشان ابلاغ گردید دایره براینکه از روز دوم مارس تخلیه قسمتی از نیروی شوروی از نواحی ایران چون مشهد ، شامروود و سمنان واقع در خاور ایران که در آنجا آرامش نسبی برقرار است آغاز میشود اما نیروی شوروی در سایر نواحی ایران تاروشن شدن اوضاع باقی خواهد ماند » در اینجا من ناگزیر هستم یک نکته اساسی را تذکر بدهم و آن اینست که ما تخلیه ایران را یک مسئله حل شده و مقطوع میدانیم زیرا تکلیف آن بموجب فصل پنجم پیمان اتحاد سه جانبه مبین شده و این فصل صراحت دارد باینکه پس از

و اتفاقاً در این مورد هم چنین شده است .

همچنین من بی اختیار بفکر گرفتاریهای سراد وارد گری در ۱۹۰۷ اقدام طبیعتاً خیال کردم که میباید سیاستی در جریان تهیه باشد که منجر با اختلاف نظر گردد در صورتیکه بقیه من هنگامی که حل اختلاف بوسیله مذاکرات ممکن بود ایجاد چنین اختلافاتی کاملاً بی مورد است .
بنابراین وقتی که بسکو رفتن راجع باین موضوع مذاکراتی بعمل آوردم و تصور می کردم نماینده محترمی که اظهار میدارد که از لحاظ دموکراسی و آزادی انتخاب و غیره ایران را نمیتوان بیغروغش دانست کاملاً ذبح است .

قانون اساسی ۱۹۰۶-۷ ایران هرگز بموجب به موقع اجرا گذارده نشده است و گرنه ایران بشکل دول متحده در میامد .

بنابراین چنین عسی می کردم که موضوع زبان و اقلیت قابل حل بوده و همین ملاحظه فکر می کردم که با همه جنب و جوش و ناراحتی های حزب توده و سایر مردمان نیک در ایران شاید میسر باشد که کمیسیون مرکب از نمایندگان سه دولت متفق بایران رفته و با استناد ب مواد قانون اساسی ۱۹۰۶-۷ مسائلی را از قبیل مسئله زبان که اهمیت حیاتی دارد مورد دقت و حل و فصل قرار دهد .

در عین حالیکه زبان فارسی را بعنوان زبان ملی قبول باید داشت زبان اقلیتها از لحاظ عدم آرامشی که در این کشور هاروی میدهد نهایت اهمیت را دارد به علاوه مسئله کردستان نیز در میان بود و نیز نباید این حقیقت را اینها داشت که در میان تمام این گورو دارها منافع حیاتی کشورهای متحده امریکا و انگلستان و روسیه شوروی نسبت ب موضوع نفت هم که با مسائل دفاعی انگلستان بسیار مربوط است وجود داشت .

بنابراین من پیشنهادهایی برای مراد و مطالعه این کمیسیون در نظر گرفتم و آنها را پس از ورود بسکو تنظیم نمودم و حقیقتاً تصور می کردم که مورد قبول واقع خواهد شد .
در سند مربوطه بطور وضوح اظهار داشته که در این باب موافقت دولت ایران را جلب نکرده ام زیرا فرصت مشاوره با حکومت مزبور برای من دست نداده بود و در این اظهار خود کاملاً صادق بودم .

من با تشکیل کمیسیون سه دولت بشرط موافقت دولت ایران موافق بودم . وقتی که

بقیه پاورقی در ذیل صفحه مقابل .

متار که جنگ دول متحده در مدتی که زیاده از ششماه نباشد قوای خود را از خاک ایران بیرون خواهند برد (صحیح است) بنا بر این مطابق این پیمان بایستی در تاریخ دوم مارس در خاک ایران يك نفر سربار بیگانه نباشد (صحیح است) و عنوان کردن آغاز تخلیه از روز دوم مارس آنهم نسبت بقسمتی از خاک ایران بهیچوجه با این تعهد قطعی دولت شوروی مطابقت ندارد (صحیح است)

وقتیکه میگوئیم ما تخلیه ایران را يك مسئله مقطوع میدانیم مراد ما اینست که ما راجع باین مسئله دیگر بهیچوجه حاضر برای گفتگو و مباحثه نیستیم و از اجرای این تعهد قطعی همسایه دوست و متفق خود که برای حاکمیت ما کمال اهمیت را دارد نمیتوانیم صرف نظر کنیم - گمان میکنم تمام آقایان با من هم عقیده هستند (صحیح است) که رئیس دولت و همراهمان او برای حل مسائل دیگری بسکوب باید رفته باشند (صحیح است) و اگر در مذاکرات خود سخنی از تخلیه بیان آمده باشد تکلیفی جز تا کید در اجراء این تعهد نداشته (صحیح است) و اختیاری در مذاکره راجع بتمدید مدت یا تبعیض برخلاف پیمان معصوب مجلس شورای ملی ندارند (صحیح است) در عین حال نمیتوانم از تذکر این نکته خود داری کنم که از روز ۲۵ فوریه یعنی روزیکه دولت شوروی باین تصمیم را با آقای قوام نخست وزیر ابلاغ کرده تاکنون هشت روز میگذرد و من نمیدانم چرا ایشان فوراً بوسیله قائم مقام خود مجلس شورای موضوع موافقت دولت ایران را بیان آوردیم اعتراضاتی باین کار شد و در نتیجه آن پیشنهاد من بجای نرسید .

پس از مراجعت دوباره ماسعی خود را تجدید کردم ولیکن موفق ببول موافقت دولت ایران نشدم .

در بسیاری از محافل پیشنهاد و در این مجلس نیز اشاره شده است که غوغای یونان و اندونزی در نتیجه آن برپا شده است که اینجانب مسئول گذاشتن موضوع ایران در دستور سازمان ملل متفق بوده ام ولی این حقیقت تاریخی را نباید بگویم که با آنکه این امر تاحدی از حدود وظایف من بیرون بوده و ایران کشوری مستقل است معیناً من بدولت مذکور عکس این کار را توصیه نمودم زیرا تصور میکردم که چون سازمان ملل متفق سازمان نوینبادی است طرح اختلافات در اولین جلسه آن ممکن است موفقیت آنرا بخطر بیناندازد و نیز همچنان عقیده داشتم که اگر دولت ایران باشکلیل کبیون سه دولت موافقت کند خود من می توانم در حل نطفی موضوع ایران هم به صلاح آن کشور و هم برای متفق بزرگ خودمان که مداخل بود خدمتی انجام بدهم .

در مورد کشور کوچک که تصادفاً دارای ماده خام ذیقیتی است چیزی که باید مراعات گردد این است که دول متفق باید ترتیب کار خود را چنان بدهند که آن کشور کوچک را فدای اختلاف نظر بین متفقین بزرگ نسازند بنظر من این روش بسیار صحیح است و خود من در حدود انجام آن برآمده و کامیاب نگردیده و از عدم موفقیت خود اعتذار میکنم ولی بهر صورت من لازمه کوشش را بعمل آوردم - بالاخره موضوع ایران در دستور سازمان ملل متفق گذاشته شد و من هیچ تردیدی ندارم که دوستان شوروی مانعیت بین ظنین بودند و با آنکه من قبایقه صادقانه ای دارم از این لحاظ تأیری در آنها حاصل نشد .

بنابر این آنها موضوع یونان و آندونزی را بیان آوردند و منی من ازین حیث بهیچوجه شکری نداشتم .

بعضیها اظهار کرده اند که بنسبیت این پیش آمد روابط ما با اتحاد جماهیر شوروی بخطر افتاده است ولی من این حرف را قبول ندارم .

در خصوص شورای امنیت من اظهار داشتم که بنا باطلاع من موضوع ایران هنوز در دستور باقی است و در صورتیکه ایرانیان بشیجه رضاسات بخشی نرسند دوباره بشورای مزبور مراجعه خواهند کرد .

ملی را مطلقه ننموده در صورتیکه میدانیم تمام ملت ایران نگران تخلیه خاک کشور است. ما انتظار داشتیم که رئیس دولت با توجه باینکه از عمر مجلس شورای ملی چند روز بیشتر باقی نمانده در مطلع کردن نمایندگان ملت عجله میکردند نه اینکه يك چنین اطلاع مهم را مکتوم بدارند (صحیح است) تا بعد از خاتمه نمایندگی يك کشور بدون مجلس مواجه ببارك چنین عنوانات برخلاف انتظار بشود (صحیح است) دولت باید متوجه باشد که این گفتنها برای کشورگران تمام میشود و مستلزم يك مسئولیت بزرگی است. آقایان! گمان نمیکنم هیچکس در این مجلس درعلاقه من بحفظ روابط حسنه با همسایگان و احترام از هر گونه عملی که سیاست خارجی ما را دچار مخاطره کند تردید داشته باشد (صحیح است) همه میدانید که من از طرفداران جدی سیاست بیطرفی و موازنه هستم و برای حفظ این سیاست در این مجلس مبارزه نموده ام (صحیح است) و از اینکه من را يك روز متهم بظرفداری از این و روز دیگر از آن کرده اند نهراسیده ام (صحیح است) در عین حال برای جلوگیری از پیش آمدن هائیکه در روابط ما با همسایه بزرگ شمالی سوء تأثیر نماید در طی ماههای اخیر بیشتر جهد بلیغ نموده ام. نطقهای من مخصوصاً نطق اخیر که چند روز پس از رأی تمایلی که اکثریت مجلس شورای ملی بنا بقضیبات و برای کمک باصلاح روابط ایران و شوروی بنحوت و زبری آقای قوام دادند بهترین شاهد مدعای من است (صحیح است) من در طی این نطق از همکاران محترم خواهش کردم از هر گونه ناپاش و عملی که بر وخامت اوضاع حاضر بیفزاید احتراز نمایند (صحیح است) اکنون باز عقیده دارم که در این رویه بایستار بیانیم و از هر مساعدنی که ممکن است باصلاح اوضاع کمک نماید مضایقه نکنیم (صحیح است) مهمان اگر امروز من از این تصمیم دولت دوست و همسایه گله میکنم نه این است که از نظر خود خدای نخواست عدول کرده ام بلکه برای این است که تخلیه ایران برای ما يك مسئله حیاتی و تمام ملت از بقای قوای خارجی در این کشور ناراضی است (صحیح است) و من نمیتوانم در يك موضوعی که مورد علاقه مفرط عموم هموطنان من است ساکت بیانم (صحیح است) و ناچار صدای ملت ایران را که در زیر مصائب این جنگ برای پیروزی متفقین خرد شده و دیگر بنیه این ناملایمات را ندارد از پشت این تریبون طنین انداز نمایم (صحیح است) امیدوارم همسایه بزرگ ما که بظرفداری از مال ضعیفه همباهات میکند در اجابت این مسئول حقه هایش از این تاخیر روا ندارد (صحیح است) من اطمینان میدهم که ملت ایران همواره خواهان دوستی با ملل اتحاد جماهیر شوروی است (صحیح است) مامیل داریم حیات و موجودیت خود را تأمین کنیم تا در عمل باین دوستی بهتر موفق شویم موجودیت ما بدون امنیت داخلی در خطر است و شکی نیست که امنیت داخلی و روشن شدن اوضاع مادام که خاک ایران از نیروی خارجی تخلیه نشود مسوور نخواهد بود (صحیح است) بنابراین این خود داری از تخلیه قسمتی از ایران بگذر بفرار نبودن آرامش در آنجا تعلیق بحال است (صحیح است) و ما از همسایه بزرگوار خود انتظار چنین همراهی نداریم (صحیح است) در خانه انتظار داریم دولت اهمیت موقع و نزدیک بودن خانه مجلس و مضار قنوت را در نظر گرفته و رویه سکوت را که برای کشور عواقب وخیم خواهد داشت بیش از این جایز ندانسته و فوراً مجلس را در جریان بگذارد (صحیح است) ناقل از اینکه فرصت از دست برود مجلس بتواند در این چند دوره تصمیمات مفیدی متناسب اوضاع اتخاذ نماید

(صحیح است) آیندگان درباره ما چه قضاوت خواهند کرد اگر ما روزهای آخر عمر خود را بسکوت و انتظار بگذرانیم و دریایان آن کشور را تسلیم حوادث بنمائیم. مردم از اینکه مسافرت آقای نخست وزیر از مدت متعارف تجاوز کرده و خبری از ایشان فرسیده نگران هستند (صحیح است) نگرانی آنها از خاطره هائی است که در جنگ اخیر مسافرت رؤساء کشور های کوچک در پایتخت دو هفته ای بزرگ دارند (صحیح است) من امیدوارم این نگرانیها موضوع نداشته باشد ولی چون موقع باریک است و بانزدیک بودن موعد اختتام مجلس شاید دیگر فرصت صحبت کردن نداشته باشیم ناچارم امروز خود را ترجمان احساسات آقبان نمایندگان و موطنان خود فرار داده و اعلام می نمایم (صحیح است) که مذاکرات رئیس دولت فقط در حدود قوانین موضوعه و مقررات عهود معتبر است (صحیح است) و هر تصمیمی که خلاف این منظور باشد در نظر ملت ایران گان لم یکن خواهد بود (صحیح است) (کف زدن معتد نمایندگان)

انعکاس نطق

در محافل داخلی و خارجی کشور

این نطق تاریخی که با کف زدن ممشد و تحسین کلیه نمایندگان خاتمه پذیرفت انعکاس عجیبی در کلیه محافل بخشید تمام جراید یکدیگر نماینده اول نهران را ستودند و زادمردهای دنیا خلاصه ای از این نطق را بنام صدا و استغانه ملت ایران در جهان منتشر نمودند.

ما برای اینکه مطلب زیاد طولانی نشود از درج خلاصه کلیه جراید در این فصل خود داری و بتقل مختصری از مقاله مفصل روزنامه «کبهان» که تحت عنوان: «در اطراف نطق دیروز دکتر مصدق - همیشه ایران» در شماره ۹۰۶ مورخ ۱۳ اسفند ماه ۱۳۲۴ منتشر گردیده اکتفا میمائیم:

..... نطق دیروز آقای دکتر مصدق بنام کسانی که راجع باو در انجمن هستند جواب میداد. مردم دکتر مصدق را دوست میدارند برای اینکه نماینده ایشان، مترجم احساسات قلبی ایشان، مدافع حقوق اجتماعی و فردی ایشان است نطق او در ایشان تأثیر میکند برای اینکه وقتی حرف میزند کمونوات خاطر ایشان را بیان میکند.

مخالفین دکتر مصدق که از قوی ترین و پامایل ترین مردم این مملکتند و دگر بزرگترین دشمن قوت و وسایله ایشان است. در این دو ساله سعی کردند که هر گونه تهمت را باو بزنند و او را عوام غریب خوانند، طرفدار روس گفتند تعامل انگلیس نمایندند و راستی که در میان این افکار متشنج و اوضاع پریشان و مبهم و نازیک مملکت دکتر مصدق در خطر سقوطی بود که از فراز «طور» و جاهت و نیکنامی بدهد نفرت و بدنامی یرت شود. در علم روح اجتماع این مسئله مسلم است که خطرناکترین ساعت برای مرد سیاسی آن ساعتی است که بفراز قله و جاهت و محبوبیت رسیده است. دکتر مصدق برفراز این قله قدم میزد و نماله

وسائل موجوده در مملکت و خارج بکار رفت که او را از آنها پرت کنند ولی این مساعی نسبت بدکتر - مصدق بنابه نسیم خفگی بود که بر مردی که بالای کوهی قدم میزند بوزد، این طوفانهای شدید که بطرف او رانده شده بقدر باد خفگی که باز قبای او را تکان دهد نیز در او تاثیر نداشت برای اینکه او در مراحل عبیده نشان داد که اربک چیز در نظر داد و آن « ایران » است - دکترمصدق آزادخواه است ولی آزادی را برای ایران میخواهد - اصلاح طلب است ولی اصلاح را برای ایران میخواهد - طرفدار دوستی با اتحاد جماهیر شوروی است ولی آن دوستی را میخواهد که بفتح و خیر و صلاح ایران باشد. نفاق دیربوز دکتر - مصدق یکی از آن مواردی بود که نشان داد که دکتر، در این سن و سال این مبارزه شدید را فقط بسبق دایران شروع کرده است عشق ایران است که دکترمصدق را باعث بنیه و اختلال مزاج از خانه بیرون میکشد و او را در وسط حوادث میراند و با حرفهای دبو هیکل آهنین پنجه به نبرد و امیدارد و بدین جهت است که هر ایرانی او را دوست میدارد و از مسیم قلب پست سراوا ستاده است که نگذارد پست او زمین بخورد و ناملت پشیمان دوست نیز بر زمین نخواهد خورد...

... آقای دکترمصدق در نطق دیربوز خود تکههای را تذکر دادند که مامکرز بعلمتهای دیگر گفته بودیم و آن این است که آقای قوام السلطنه راجع بمسائلی که فرار داد مابین ما و متفقین تکلیف آنها را همین کرده است در مسکو کلاری ندارند در دم ملوس متفقین باید آخرین سرباز خود را از ازمایران بیرون کشیده باشند و اگر آقای قوام السلطنه بخواهند از این بابت حرفی زنند فقط باید اعتراض کنند که چرا هنوز سرباز غیر ایرانی بلباس سربازی در ایران هست...



گزارش وقایع و حوادث آخرین روزهای مجلس ۱۴

دوره چهاردهم تقنینیه در ساعت ۱۲ روزیست و یکم اسفندماه ۱۳۲۲ افتتاح گردید بنا بر این ظهر ۲۱ اسفند ۱۳۲۴ آخرین ساعت عمر قانونی آن بود. همانطوریکه در یکی از قصول سابق اشاره کردیم از مدتی قبل از خاتمه مجلس ۱۴ مخصوصاً در روزهای آخر دوره این فکر در بین عده بالنسبه زیادی از نمایندگان تقویت میشد که ترتیبی برای امور مملکت در ایام فترت داده شود تا دولت بتواند از تعطیل مجلس سوء استفاده نموده و تصبمات و عملیاتی که مخالف مصلحت کشور است از او ناشی شود اما قوام السلطنه و طرفداران او با این فکر موافقت نداشتند و میخواستند در ایام فترت آزادانه مشغول کار باشند و حزب توده هم که فریفته مواعید قوام شده بود با مطلق العنانی دولت در ایام فترت موافق بود و چون این دو دسته میدانستند و احساس کرده بودند که مجلس در آخرین روزهای عمر خود ممکن است تکلیف دولت را در ایام فترت معین و عملیات او را محدود سازد لذا از تاریخ چهارشنبه ۱۵ اسفند تا آخرین روز قانونی مجلس همه روزه صبح و عصر عده زیادی را در پیرامون مجلس و میدان بهارستان گرد آورده بنمایندگان اهانت و از ورود آنان به مجلس ممانعت مینمودند و بدین ترتیب موفق شدند مقاصد خود را عملی و مجلس را از کار بیاندازند.

داستان این ایام که از هتک احترام و اهانت بنمایندگان واقعی و آسیب و صدمه جسمی بعضی از آنان و صحنه های ناثر انگیز دیگر ترکیب یافته در تاریخ مشروطیت ایران کم نظیر است. مالینک اخبار روز های آخر مجلس ۱۴ را که حاوی مذاکرات جلسه خصوصی و حوادث و وقایع میدان بهارستان است برای تکمیل این تاریخ و مزید اطلاع خوانندگان محترم از روزنامه رسمی کشور شماره ۳۱۹ صفحه ۱۱۳۷ در ذیل نقل می نمائیم:

اخبار مجلس

از ۱۵ تا ظهر ۲۱ اسفند ۲۴

از صبح چهارشنبه ۱۵ اسفند ۲۵ عده زیادی پیرامون مجلس و میدان بهارستان گرد آمدند

و قریب ساعت ده و نیم دو نفر را که بخشی در بیرون درب مجلس مجروح کرده بودند به بهداری مجلس آوردند و در آنجا چند تن از وکلای از قبیل آقایان دکتر معاون، هاشمی، فیروز آبادی جمال امامی حضور یافتند. دو نفر مجروح یکی «فر میرز» و دیگری «فانح کرمانشاهانی» بودند و پس از معالجات بسوی تخت نظر آقای دکتر نیرومند رئیس بهداری مجلس با مساعی چند نفر از وکلای، مخصوصاً آقای فیروز آبادی به بیمارستان حمل شدند پس از ناهبه بعضی وکلای، یوزراء، تلفون هائی شد و آقای بیات کفیل نخست وزیر و وزیر دارائی با چند تن دیگر از وزراء در مجلس حضور یافتند و جلسه خصوصی چند دقیقه بعد از ظهر تشکیل گردید نخست آقای بیات اظهاراتی نمودند پس آقای تهر انچی اظهار کردند که وقت ما بسیار کم است و من ن میدانم چرا دولت با مجلس تماس بیشتری نمی گیرد و این نظاهر چیست که مجلس تشکیل نشود، و در این زمینه بیاناتی نمودند آقای بیات اظهار داشتند: البته آقای توأم موقعی روی کار آمدند که اوضاع مملکت در نهایت آشفتگی و تیرگی بود و فقط ایشان يك منظور داشتند که وضع سیاست خارجی کشور را روشن کنند و برای همین منظور با کمال عجله مسافرت را بر اقامت و طرح برنامه در مجلس با استحضار نمایندگان، محترم ترجیح دادند و فرصت نشد که نسبت با مورد داخلی تصمیماتی گرفته شود و ما هم در غیاب ایشان نمی خواستیم کاری کنیم و البته روز جمعه ایشان اینجا خواهند بود و اینرا هم نمایندگان مستحضرند که آقای نخست وزیر اجتماعات را آزاد کرده اند و اما نسبت به امتیاز اجتماعات هم خودمان اقدام میکنیم که اتفاق موثی نباشد...

پس آقای کاظمی بیانات مفصلی که خلاصه آن

انست برای آوردند:

«... من خود اقرار میکنم که رأی با آقای توأم نداده ام ولی ایشان را وطن پرست میدانم و تا آنجا که مشاهده میکنم عملیات اخیر ایشان هم مؤید همین بوده اما صریحاً نمی گویم که وزرای ایشان در غیاب ایشان حفظ القیاب ایشان را نکردند بلکه عرض می کنم بدترین لطمات را به شخص ایشان و حیثیت دولت ایشان وارد آوردند. بیانات آقای بیات هم متأسفانه قانع کننده نیست و بهیچوجه برای من و نمایندگان آن بیانات قانع کننده نبود نه تنها وزراء با عاوا مجلس در این چند روزه تماس نداشتند بلکه این جمعیت را دولت فرستاده و من خود کامیونهای دولتی را



آقای کاظمی

دیدم که کارگران مربوط بکارخانه های وزارت پشم و پشم را دسته دسته جلوی مجلس می آوردند و می بردند اگر باور ندارید الساعة با من بیایید برویم چند کارخانه دولت - به پیشه که کارگری در آن کارخانها وجود ندارد و همه دست از کار کشیده و برای تظاهر جلوی مجلس آمده اند. آیا خجالت آور نیست؟! من صبح امروز بشوربانی تلفن کردم که آباوضع روزهای گذشته امروز هم در بهارستان خواهد بود یا نه و آیا میتوان با اطمینان خاطر بی مجلس رفت، بمن گفتند اگر پروانه از آقای مظفر فیروز داشته باشید مسکن است که بشود رفت - گرچه این مطلب شوخی بنظر می آید و اسی در حقیقت عمل همین است. آخر این چه وضعی است و این چه اقتضای است ما از هیجان و تظاهر عمومی